

# ارزیابی وضعیت کنونی

اگر نظری بخواهیم بر مبنای رژیم بقدر کافی تاکت متعدد میتوان یافت که دلائلی مبنی بر حقا نیت گفتار این دسته افراد است. رژیم جمهوری اسلامی پس از سرکوب خونین ۲۰ خرداد حکومت سرور و احتیاق را برقرار ساخته است. ابتدا شی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از توده ها سلب کرده است. هزاران تن از فرزندان انقلابی خلق را بزدان افکنده است. دهها تن را اعدام کرده است. دهها هزار مبارزان انقلابی را از کارخانه ها، ادارات و مدارس اخراج نموده است. مبارزات آشکار توده ها در کارخانه ها، ادارات، خیابانها و محلات بنحویچشمگیری فروکش نموده است. جزئی ترین مخالفت با... به شدت سرکوب می شود. شومی رهیب  
بقیه در صفحه ۲

توسل رژیم به سرکوب و خشونت و عریان موج اعدامها، بازداشتها و اخراجها، فروکش محسوس در مبارزات آشکار توده ها تخفیف تضادهای درونی هیئت حاکمه و با لافزه حاکم شدن جوارح برای برخی افراد این سؤال را مطرح کرده است که آیا این مجموعه شرایط دلیل بر آن نیست که رژیم جمهوری اسلامی بسوی تشییست موقعیت اقتصادی و سیاسی خویش پیشتر می رود و برای یک دوران، بحرانیهای کنونی را پشت سر میگذارد؟ آیا بر این اساس لازم نیست که ما پس از رویدادهای ۱۳۰ خرداد دیک تجدید نظر در تحلیلها و چشم انداز اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بنماییم؟

## هموطنان مبارز علیه فشارها، ظلم و بیدادگریهای رژیم مقاومت کنیم!

اینروزها فشار رژیم ضد خلقی و مزدوران آن بر مردم ما بسیار دو چندان گردیده است. تحت جوی وجود آمده از بازداشتهای دسته جمعی، شکنجه ها و اعدامهای مبارزان، ظلم و بیدادگری نسبت به هموطنان محروم و زحمتکش ما شدت بیسابقه ای یافته است. رژیم علنا "با استفاده از همه دستگا های تبلیغاتی تیش مردم را به جاسوسی نسبت به یکدیگر وادار میکند. خمینی بعنوان وظیفه شرعی از خانواده ها میخواهد که فرزندان شان را نوبدهند، مواظب همسایگان شان باشند، علیه یکدیگر جاسوسی کنند و مرتب گزارش بدهند. رژیم که از نداشتن سیستم نظیر ساواک (با وجود حیا و آوا مان) شدت نازاحت و نگران است و این مسئله را با رها مسئولین امر اذعان کرده اند، میخواهد این "ضعف" را با وادار کردن مردم به جاسوسی علیه یکدیگر جبران کند  
بقیه در صفحه ۸

## انقلاب ویتنام و مجلس مؤسسان

خواهد کرد؟  
از آسیای جنوب شرقی تا آمریکای لاتین، از ویتنام تا بولیوی، از سا یگون تا لاپاز، از آن خط سرخی امتداد داده که بر آن، صدها نفر، هزاران نفر، صدها هزار انقلابی، کمونیست و مترقی سیونا لیست، برای برپا شدن دنیای عاری از استثمار و استثمار، دنیای عاری از فقر و تنگدستی، پیگیر میکنند.  
بقیه در صفحه ۱۳

ما همها پیش از آنکه فرماندها رنسترو چهگوارا، بیام خود را به کنترا انس به قاره بفرستد و اعلام کند: " برای کمک به ویتنام، ویتنام ما ها را از یاری بریا کنیم"، فونگوبین جیاب، بران بودگه: "امپریالیسم آمریکا برای مقابله با قیام خلق دومینکن، - دهها هزار نیرو و گسیل داده شده است. اگر بسا دومینکن های دیگری روبرو شود، چه

### در این شماره

جنبش جهانی

اخبار کوتاه کارگری

مردم چه میگویند؟

یادداشت های تاریخی

## کارگران از انقلاب می آموزند

برولتاریای ایران که یک قیام و دو سال و اندی دوران انقلابی را از سر گذرانده و اکنون ساکوله باری از تحریر به استقبال آینده می رود. در این دوران که هر روز آن بر سر ما میبارد و یکد سالها تجربه است، کارگران ما نشان داده اند که از دنیای قابل توجهی بیدار شده اند. کارگرانیکه از حکومت نظامی تا فسرار

## خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

صفحه ۱۱

# ارزیابی وضعیت کنونی

کمانده بود. برای این اساس اگر با وضع اقتصادی جامعه و شرایط مادی زندگی توده ها نظری بیافکنیم درمی یابیم که اساسی ترین و پایه ای ترین دلایل تخریب و تضعیف این تضادها موجود نیست. اگر تضاد میان رشد نیروهای مولده و مناسبات بازدارنده و کهنه اساسی ترین علتی است که انقلابها زاده آن هستند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها گامی هر چند ناچیز در جهت حذف این مناسبات بازدارنده برداشته است، نه تنها نیروهای مولده را بطریق نادره و زمینه رایی - شکوفائی نیروهای مولده هموار نکرده بلکه با سیاستهای ارتجاعی خود نیروهای مولده را به از هم پاشیدگی و اضمحلال سوق داده است. بحران اقتصادی که هم اکنون چندین سال بر تمام ارکان زندگی اقتصادی جامعه سایه افکنیده است، خود به بهترین وجه بیانگر حسد این تضاد نا توانی رژیم جمهوری اسلامی از حل این بحران و باالنتیجه تخریب نسبی در این تضاد نسبی است. حکومت تولید و صنایع، از هم پاشیدگی سیستم مالی و سیر قهرانی در کشاورزی که به همراه خود سیکاری میلیونها انسان، نزول شدید تولید، کمبود محصولات و افزایش سرسام آور قیمتها را دنبال داشته است و بار سنگینی که بر دوش زحمتکش ترین افراد جامعه قرار گرفته است، خود گویا ترین تصویر از وضعیت اقتصادی و شرایط زندگی توده ها است.

چگونه میتوان در شرایطی که هیچگونه چشم اندازی در جهت حل این بحران اقتصادی و شرایط فلاکت بار زندگی توده ها در مقابل ما قرار نداد صحبت از تخفیف تضادها و مبارزه طبقاتی بمان آورد. روشن است که هیچکس نمیتواند ادعا کند که بورژوازی حتی در دشوارترین شرایط قادر نیست بحرانهای اقتصادی را موقتا حل کند، ناممکن وجود ندارد، ما مکرر در تاریخ چند دهه اخیر شاهد بوده ایم که بورژوازی توانسته است موقتا حتی از وخیم ترین بحرانها نجات یابد. اما شرایط سیاسی حاکم بر ایران و رژیم سیاسی حاکم، یک چنین امری را بعید نمیداند. زیرا اکنون قدرت سیاسی در دست یک قشر محدود قرار گرفته است که نه تنها تمامی اقشار و طبقاتی را که در تولید و زندگی معنوی جامعه نقش دارند کنار گذاشته است، و با آنها در ستیز قرار گرفته است بلکه آن اقشار بورژوازی به ویژه بورژوازی صنعتی را که قادر است تحت شرایطی بحران را مهار کند، از حاکمیت کنار گذاشته و بورژوازی صنعتی

با بورژوازی تجاری حاکم در تضادی شدید قرار گرفته است. در چنین شرایطی حل بحران اقتصادی و کاسته شدن از فقر و فلاکت توده ها و تخفیف تضادها بجز از راه زیادی دشوار میگردد.

از سوی دیگر تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی به همراه یک مجموعه تناقضات روبنایی در زمینه عوامل دیگر است که رژیم جمهوری اسلامی را در معرض درگیریها و تناقضات حاد قرار داده است که این عوامل نیز سرنگونی رژیم را اجتناب ناپذیر می سازد.

اگر بنا بر این تضادها و تناقضات میبایست اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم تا انقلابهای ۱۸۴۸ نظری بیافکنیم در می یابیم که یکی از عوامل ملنا رضایتی اکتفا و وسیع جامعه و بورژوازی انقلابهای سیاسی در سالهای ۴۹-۱۸۴۸، محدود شدن قدرت سیاسی در دست اقشار محدودی از جامعه بود که به جوجه سحر سالتی در جهت رشد نیروهای مولده جامعه نداشتند. فی المثل در فرانسه محدود شدن قدرت سیاسی در دست اشرافیت مالی و فئودالی و نیز روحانیت منجر به شدید تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی و در عرصه طبقاتی درگیری میان طبقه وسیعی از بورژوازی صنعتی گرفته تا پرولتاریا با دارنده ها حاکم گردید و با انقلاب ۱۸۴۸ انجام میداد. البته در ایران گرچه از نظر محتوای طبقاتی و تاریخی این تضاد هیچگونه وجه تشابهی با فرانسه قبل از سالهای ۱۸۴۸ و نقش بورژوازی صنعتی در جهت رشد نیروهای مولد وجود ندارد، اما در این امر کمترین تردیدی نیست که قیضه قدرت سیاسی توسط نیروهای انگلیسی (بورژوازی تجاری و روحانیت) که هیچگونه نقش و رسالتی در اقتصاد جامعه و رشد نیروهای مولده ندارند تضاد روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی را بدرجه یک آنتاگونیسم حاد در آورده است. انعکاس این تضاد آنتاگونیسم در مبارزه طبقاتی بصورت مبارزه طبیف و وسیعی از نا همگون ترین نیروها از بورژوازی بزرگ و متوسط صنعتی فدا انقلابی تا اقشار و طبقات انقلابی یا فلتهاست.

تضادهای درونی روبنای سیاسی - ایدئولوژیک نیز سوای اینکه تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی را تشدید می کند، کل روبنای موجود را در یک مجموعه تناقضات لاینحل قرار داده است. مذهبی کردن روبنای سیاسی از

و هراس بر بخش وسیعی از توده ها حاکم شده است. این تصویر است که میتوان از لحظه کنونی جامعه را مشاهده کرد. برای این اساس رژیم نیز میگوید که از یکسو این اوضاع را دلیل قدرت و ثبات خود معرفی کند و از سوی دیگر با وعده انجام یاره ای رفرمها توده ها را متقاعد سازد که نه تنها قادر است با اوضاع نابسامان اقتصادی و کاستن از فقر و فلاکت توده ها، سرو سامانی بدهد بلکه در تلاش است گامهای اساسی در جهت منافع توده ها بردارد.

این مجموعه شرایط در نگاه اول هر بیننده ای را متقاعد خواهد ساخت که حتی با کاستی است که از یک تجدید نظر در چشم انداز اوضاع سخن میگویند رژیم جمهوری اسلامی نه بسوی از هم پاشیدگی و سرنگونی، بلکه بسوی یک ثبات و استقرار پیش می رود. اما اگر ما از سطح پدیده ها و آنچه که در لحظه کنونی در جریان است بگذریم و به تحلیل آنچه که در عمق در زیر سطح جریان دارد بپردازیم، به نتیجه ای دیگر سوای آنچه که این دسته افراد تصور می کنند خواهیم رسید و بی خواهیم برد که رژیم با آنچنان تناقضات و تضادهای روبروست که هیچ جوجه یارای مقاومت در برابر آنها را ندارد.

واقعیت اینست برخلاف آنچه که در لحظه کنونی ما شاهد آن هستیم و برخلاف ظواهر امور که حکایت از کودکی طولانی مدت در مبارزات توده ها و تثبیت رژیم جمهوری اسلامی دارد در عمق جامعه فعلی و انفعالاتی در جریان است و تضادهای عمل می کنند که رژیم را با یک مجموعه تناقضات لاینحل روبرو ساخته و نویسد تشدید بحرانهای موجود و سرنگونی اجتناب ناپذیر آن را می دهد. ما مکرر در نوشته های خود توضیح داده ایم که اگر کسی بخواد بر اساس دیکتاتور و سرکوب چگونگی تحولات جامعه را ارزیابی کند، چنین فردی اساسا "با مارکسیسم - لنینیسم بیگانه است و ما تریالیسم تاریخی را درک نکرده است. ما گفتیم که دیکتاتور و سرکوب هر چند در حدیک عامل ذهنی میتواند در مبارزات توده ها و موفقیت سیاسی رژیمهای حاکم تاثیر بگذارد، اما هیچ جوجه به تنهایی و بی برای مدتی طولانی قادر نیست مبارزات توده ها را بسازد و موقعت مستحکم برای رژیم های ارتجاعی ایجاد کند، بلکه اگر قرار است در مبارزات توده ها را کودکی - بالکسیه طولانی مدت صورت گیرد، لزوماً لازم است تخفیف نسبی تضادهای است که توده ها را سرور مبارزه فعال و آشکار

کمانده بود. برای این اساس اگر با وضع اقتصادی جامعه و شرایط مادی زندگی توده ها نظری بیافکنیم درمی یابیم که اساسی ترین و پایه ای ترین دلایل تخریب و تضعیف این تضادها موجود نیست. اگر تضاد میان رشد نیروهای مولده و مناسبات بازدارنده و کهنه اساسی ترین علتی است که انقلابها زاده آن هستند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها گامی هر چند ناچیز در جهت حذف این مناسبات بازدارنده برداشته است، نه تنها نیروهای مولده را بطریق نادره و زمینه رایی - شکوفائی نیروهای مولده هموار نکرده بلکه با سیاستهای ارتجاعی خود نیروهای مولده را به از هم پاشیدگی و اضمحلال سوق داده است. بحران اقتصادی که هم اکنون چندین سال بر تمام ارکان زندگی اقتصادی جامعه سایه افکنیده است، خود به بهترین وجه بیانگر حسد این تضاد نا توانی رژیم جمهوری اسلامی از حل این بحران و باالنتیجه تخریب نسبی در این تضاد نسبی است. حکومت تولید و صنایع، از هم پاشیدگی سیستم مالی و سیر قهرانی در کشاورزی که به همراه خود سیکاری میلیونها انسان، نزول شدید تولید، کمبود محصولات و افزایش سرسام آور قیمتها را دنبال داشته است و بار سنگینی که بر دوش زحمتکش ترین افراد جامعه قرار گرفته است، خود گویا ترین تصویر از وضعیت اقتصادی و شرایط زندگی توده ها است.

چگونه میتوان در شرایطی که هیچگونه چشم اندازی در جهت حل این بحران اقتصادی و شرایط فلاکت بار زندگی توده ها در مقابل ما قرار نداد صحبت از تخفیف تضادها و مبارزه طبقاتی بمان آورد. روشن است که هیچکس نمیتواند ادعا کند که بورژوازی حتی در دشوارترین شرایط قادر نیست بحرانهای اقتصادی را موقتا حل کند، ناممکن وجود ندارد، ما مکرر در تاریخ چند دهه اخیر شاهد بوده ایم که بورژوازی توانسته است موقتا حتی از وخیم ترین بحرانها نجات یابد. اما شرایط سیاسی حاکم بر ایران و رژیم سیاسی حاکم، یک چنین امری را بعید نمیداند. زیرا اکنون قدرت سیاسی در دست یک قشر محدود قرار گرفته است که نه تنها تمامی اقشار و طبقاتی را که در تولید و زندگی معنوی جامعه نقش دارند کنار گذاشته است، و با آنها در ستیز قرار گرفته است بلکه آن اقشار بورژوازی به ویژه بورژوازی صنعتی را که قادر است تحت شرایطی بحران را مهار کند، از حاکمیت کنار گذاشته و بورژوازی صنعتی

با بورژوازی تجاری حاکم در تضادی شدید قرار گرفته است. در چنین شرایطی حل بحران اقتصادی و کاسته شدن از فقر و فلاکت توده ها و تخفیف تضادها بجز از راه زیادی دشوار میگردد.

از سوی دیگر تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی به همراه یک مجموعه تناقضات روبنایی در زمینه عوامل دیگر است که رژیم جمهوری اسلامی را در معرض درگیریها و تناقضات حاد قرار داده است که این عوامل نیز سرنگونی رژیم را اجتناب ناپذیر می سازد.

اگر بنا بر این تضادها و تناقضات میبایست اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم تا انقلابهای ۱۸۴۸ نظری بیافکنیم در می یابیم که یکی از عوامل ملنا رضایتی اکتفا و وسیع جامعه و بورژوازی انقلابهای سیاسی در سالهای ۴۹-۱۸۴۸، محدود شدن قدرت سیاسی در دست اقشار محدودی از جامعه بود که به جوجه سحر سالتی در جهت رشد نیروهای مولده جامعه نداشتند. فی المثل در فرانسه محدود شدن قدرت سیاسی در دست اشرافیت مالی و فئودالی و نیز روحانیت منجر به شدید تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی و در عرصه طبقاتی درگیری میان طبقه وسیعی از بورژوازی صنعتی گرفته تا پرولتاریا با دارنده ها حاکم گردید و با انقلاب ۱۸۴۸ انجام میداد. البته در ایران گرچه از نظر محتوای طبقاتی و تاریخی این تضاد هیچگونه وجه تشابهی با فرانسه قبل از سالهای ۱۸۴۸ و نقش بورژوازی صنعتی در جهت رشد نیروهای مولد وجود ندارد، اما در این امر کمترین تردیدی نیست که قیضه قدرت سیاسی توسط نیروهای انگلیسی (بورژوازی تجاری و روحانیت) که هیچگونه نقش و رسالتی در اقتصاد جامعه و رشد نیروهای مولده ندارند تضاد روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی را بدرجه یک آنتاگونیسم حاد در آورده است. انعکاس این تضاد آنتاگونیسم در مبارزه طبقاتی بصورت مبارزه طبیف و وسیعی از نا همگون ترین نیروها از بورژوازی بزرگ و متوسط صنعتی فدا انقلابی تا اقشار و طبقات انقلابی یا فلتهاست.

تضادهای درونی روبنای سیاسی - ایدئولوژیک نیز سوای اینکه تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی را تشدید می کند، کل روبنای موجود را در یک مجموعه تناقضات لاینحل قرار داده است. مذهبی کردن روبنای سیاسی از

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



## کارگران از انقلاب میآموزند

بقیه از صفحه ۱

منافع طبقاتشان به تجزیه و تحلیل می‌کشند و در باره آن اظهار نظر میکنند. امروز دیگر برکمی یوشیده نیست که "علاقه طبقاتی، پرولتاریا را به اتحاد، بسط مبارزه علیه سرمایه داران، به تفکر درباره پیش شرط‌های رهاشی خود و امیدارد." و در چنین شرایطی است که پرولتاریای ایران نشان میدهد که اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز به این دارد که آگاهی سیاسی از نیروی این طبقه بیرون آن برده شود. این امروزیک وظیفه انقلابی است. در شرایط امروز ما، پرولتاریا با همان غریزه طبقاتی خود آنچنان - قضا را بررسی میکند که گویا با پذیرش سوسیالیسم علمی فاصله چندانی ندارد. مسلماً "این ساده لوحی است که فکر کنیم سوسیالیسم بطور خود بخودی بر تفکر، احساس و اندیشه کارگران ما سب خواهد انداخت. اما تحولات سیاسی در این مدت دو سال و اندی بقدری سریع بوده و آنچنان کارگران ما را تا کنون داده است که بی هیچ تردیدی باید پذیرفت در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون تن از مردم در هر هفته بیش از یکسال زندگی عادی و خواب آلود چیزی میآموزند." (لنین - درسهای انقلاب)

امروز آنچه که در گفتار و نظرات و بحث‌های کارگران در کارخانه‌ها و کارگاهها جریان دارد و آنچه که در حرکات و واکنش‌ها و عکس العمل‌های آنان دیده میشود، نشان دهنده این واقعیت است که آنان، جزء به جزء، و قدم بقدم تجربیات زندگی دو ساله خود را در عمل بکار میگیرند. از زندگی میآموزند، از انقلاب فرامیگیرند، و اندوخته‌های خود را در مبارزه روزمره بکار می‌برند. آنها به درستی دریا فتها ندچمن‌های اسلامی بدون تردیدی هیچ استثنائی مراکز جاسوسی و توطئه علیه کارگران اندلسا در مراکز تجمع خود می‌محض ورود انجمن‌ها صحبت‌های خود را قطع می‌کنند. موضوع صحبت را عوض می‌کنند و از انجمن‌ها کناره گیری می‌کنند. این درسی است که آنها از تجربه عملی زندگی آموخته‌اند. رهنمودی نیست که به آنها داده شده باشد. نظرات آنها درباره مسائل و اتفاقات سیاسی نیز از این درسها بهره فراوانی گرفته‌اند.

در مورد انفجار مرکز حزب جمهوری نیز علیرغم نظرات گوناگون در میان کارگران هنوز این اقدام نظامی را کبه بسیار فراتر از سطح مبارزاتی آنها است نمی‌توانند فهم کنند. آنها بطور غریزی و خود بخودی ابتدا آنها را بطه این حرکت را با منافع طبقاتی خود و ضرورتا "با مبارزه طبقاتی خود در شرایط فعلی مورد ملاحظه قرار میدهند. همینطور آنها در مورد انتخابات ریاست جمهوری همه زپیش میدانستند و با اطمینان - میکشند که "از صندوقها رجالی بیرون خواهد آمد، این همه جا روح جلال چیزی جز یک بازی برای فریب مردم نیست. و امروز همس از خروج بنی مدرن مسعود رجوی از ایران آنها قضاوت خاص خود را دارند. نظرات آنها و قضاوتشان در این

## مبارزات بیرونی کارگران موقت راه آهن

تهران : هفته دوم مرداد ماه کارگران موقت (۸۵ روزه) راه آهن که پیش از ۱۵ نفرند و بنی از کارهای راه آهن را انجام میدهند، بیوسته در معرض اخراج قرار داشتند. چندی قبل مدیریت اقدام به انتشار قرارداد نمود که مطابق ماده ۳۳ قانون کار "مدت کارگری رژیم گذشته تنظیم شده بود. قابل توجه آنکه این ماده علیرغم هزاران طومار و اعتراض و اعتصاب کارگران برای لغو آن همچنان بقوت خود باقی است و رژیم حامی مستضعفان که تاکنون انواع و اقسام قول‌ها را به آنها داده است اید" هیچ فکری برای تغییر آن نکرده است. این قرارداد خشم کارگران را برانگیخت البته مدیریت برای ارزیابی عکس العمل کارگران استدعا قرار داد در ادراکاتناجات اصلی توزیع کرد. کارگران مقاومت خود را بصورت امضاء نکردن آن نشان دادند زیرا که میدانستند اگر قرارداد را بپذیرند مثل اینست که زیر پرچم اخراج خود را امضاء کرده باشند. سپس تصمیم میگیرند با تجمع در مقابل اداره مرکزی اعتراض خود را اعلام کنند. فردای آ شروز کارگران موقت (۸۵ روزه) - کارخانجات (۴۰۰ - ۳۰۰ نفر) در ایستگاه راه آهن اجتماع کردند و خواهان دیدار با علیزاده، معاون وزارت راه و رئیس کل راه آهن شدند. وی حاضر نبود در حضور کارگران صحبت کند در عوض با فرستادن عوامل خود سعی در متفرق نمودن کارگران کردنی المثل با ساداری که خود را کارگر معرفی میکرد، در میان کارگران حضور یافت و خواهان ملاقات نمایندگان سابق (فرما بی) با علیزاده بود، وی هنگامی

که با خشم و نفرت کارگران مواجه شد فرا را برقرار ترجیح داد. حضور رئیس پلیس ایستگاه نیز نتوانست خللی در عزم کارگران ایجاد کند خلاصه بعد از چند ساعت کارگران بزور وارد ساختمان اداره - مرکزی شدند در این میان کارگران - نمایندگان خود را نیز انتخاب کردند. شخصی علیزاده نیز که دیگر چاره‌ای جز حضور در اجتماع کارگران نداشت همچون حیوان از قفس رها شده با زان تا قش بیرون پرید و شروع به تهدید کرد اما تهدیدهای او نیز در مقابل عزم کارگران و وحدت آنان بی اثر بود. وی هنگامی که به بی اثر بودن تهدیدهای بی برده استمسان افتاد دوازده کارگران میخواست که نمایندگان را جهت مذاکره به اتاقش بفرستند اما نمایندگان کارگران با دیدن حضور همه به مذاکره در اتاقهای در بسته نیستند و هرگونه مذاکره‌ای با دیدن حضور همه کارگران انجام نمیشود. آنروز کارگران با سرفرازی و عدم امضاء قرارداد محل را ترک کردند.

سراجم مبارزات کارگران به پیروزی انجام میدوید آنها موفق شدند حق رسمی شدن و نیز اضافه حقوق معوقه را اخذ کنند آنچه که پیروزی کارگران موقت راه آهن را تضمین نمود اتحاد آگاهی آنان بود. آگاهی کارگران راه را بر عوام فریبی مدیریت سرمایه داری و مزدوران آنها بست. اقدام نمایندگان آنها مبنی بر رد پذیرش مذاکره در اتاقهای در بسته تجلی این آگاهی بود. پیروزی کارگران ثابت کرد که آنها تنها با اتحاد دقا درند به حقوق برحق خویش دست یابند.

مورد نیز از یک سو، ریشه در روانشناسی اجتماعی آنها که در رابطه با وضعیت طبقاتی شان است قرار دارد. آنچه که خود بخودی است و از سوی دیگر تحت تاثیر فضای سیاسی، تاثیرات دوران انقلابی، مسائل ایدئولوژیک، مجادلات ایدئولوژیک و یگونه‌های آگاهی سیاسی است. و در - مجموع برآیند این خود بخودی و آگاهی است که قضاوت به انبسه درست آنها را - میسر زد چیزی که ما بعد فویربا آن و روبرو بوده ایم. آنچه که در مورد مسئله اخیر در میان کارگران جنبه غالب پیدا کرده است تا کایدوری دوجنبه قضیه است :

اول: حالت اعتراضی و اظهار تمعصب و ناراضیاتی از همراهی مسعود رجوی با بنی صدر دوم؛ شادمانی و خوشحالی از قدرت نامایی آنها وضع رژیم جمهوری اسلامی است. آنها در این دو حالت متضاد چه چیزی را به نمایش می‌گذارند؟ روشن است که قضاوت لیسرها و سایر افسار و طبقات خلق با نظر کارگران تا آنجا مشابیهت خواهد داشت که نزدیکی خواسته‌های آنها در این مرحله از انقلاب این شباهت را امکان پذیر میسازد. آنها در این میان منافع طبقاتی، تجربه مبارزاتی و درجه - ای از آگاهی سیاسی خود را بنمایش گذاشته‌اند.

در حالت اول تعجب و ناراضیاتی آنها از قرار گرفتن مسعود رجوی در کنار بنی صدر ناشی از ناراضی همکاری سازمانی مثل مجاهدین با مردی است که هیچ وجه نمیتواند خود را از زمانه شی که در رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران پیش آمده شریکه نما بداند آنها در جریان زندگی و تحت تاثیر واقعیات ملموس آن علیه لیبرالها صورت گرفته دریا فتها اند. آنها میدانند که لیبرالها نمی‌توانند حافظ منافع طبقاتی کارگران باشند از اینرو نمی‌توانند خود را راضی کنند که خرده بورژوازی دموکرات در کنار بورژوازی لیبرال و در غیاب پرولتاریا سرمداری مبارزه را بندهت گیرند و آنها بیتا - بسوی بورژوازی تمایل پیدا کنند. از سوی دیگر از آنجا که دشمن خود را در این لحظه خوب تشخیص داده اند، از ضعف او و از ضربه‌ای که بر او وارد می‌شود نمی‌توانند اظهار شادمانی نکنند. از اینروست که خروج بنی صدر رجوی از فرودگاه گساره مهرآباد تهران با یک هواپیمای ارتشی که تمام پیلوان پسنه‌های رژیم جمهوری اسلامی را انکشت بدشان ساخته است، آنها را خوشحال می‌کند. و از سوی آنسان با شادمانی پذیرفته میشود.

## باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

در کارخانه‌ها برچیده شود

# ارزیابی وضعیت کنونی

نقشه صفحه ۲

جمله دولت مذهبی و عبارات علمی در تلفیق آشکار دین و سیاست که همواره خودتحمیل نهادهای ایرانها، عقاید و نظرات قرون وسطایی را به رویای سیاسی جامعه بورژوازی بپیچاند است. است. تضادهای شدید رادروینسای سیاسی - ایدئولوژیک برانگیخته است. پیوند ارکانیک اجزاء متعدد رویینسای سیاسی را مختل ساخته و منحربنوعی آشفتنی در زندگی سیاسی و معنوی جامعه گشته است. فیالمثل در جامعه ای که مناسبات سرمایه داری بصورت مناسبات مسلط عمل می کند، در عصری که بشریت سه عالی ترین مدارج اجتماعی، سیاسی و عملی کامنهاده است رژیم سیاسی حاکم بر ایران تلاش می کند یک مجموعه استاندارد - ها و موازین حقوقی و قانونی را بنا م قمار کند نه با زتاب مناسبات واقعی موجود، بلکه با نگر مناسبات دوران - جامعه دوی و عیشی است به رویینسای سیاسی موجودتحمیل کند. با علنسم و بیسرفتنهای فرهنگی بشریت دشمنی می ورزد و سعی دارد فرهنگ جامعه را عقب سوق دهد. زنان را از ابتدائی ترین حقوق محروم ساخته و اقلیتهای مذهبی را برده مذهب حاکم ساخته است. رژیم جمهوری اسلامی با مذهبی کردن رویینسای سیاسی - ایدئولوژیک و سرقراری دولت مذهبی، رژیم خودکامه پدید آورده است. اساساً "جمهوری اسلامی بمعنای برقراری دولت مذهبی، در ضمن نفی هرگونه آزادی و دموکراسی و بمعنای نفی جمهوریت، اسن امر تضاد میان دولت خودکامه مذهبی حاکم و وسیع ترین بخشهای جامعه را که از حداقل آزادی و ابتدائی ترین حقوق انسان محروم شده اند تشدید کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در حالی باید به مقابله با این مجموعه تضادهای و تناقضات برخیزد که خود مایشین دولتی حاکم، ارگان ستمگری آن دچار بیگ تناقض لاینحل است. تناقض در مایشین دولتی حاکم، تناقض در نهادهای آن یعنی ارتش و بوروکراسی است. زیرا این تناقض در کنار مجموعه تناقضات و گرفتاریهای اقتصادی و سیاسی رژیم در زمره عواملی است که رژیم حاکم را پیش از پیش با یک بحران و ناتوانی در تحقق اهداف سرکوبگران خود روبرو می سازد. ارتش و بوروکراسی اسن و شالوده مایشین دولتی بورژوازیست که طبقه حاکم با تکیه این ابزارها سلطه طبقاتی خود را حفظ می کند و توده های تحت ستم را سرکوب کرده و در انقیاد نگا میدارد. انسجام و وحدت ارتش و بوروکراسی بعنوان

شالوده های مایشین دولتی بیش شرط هر گونه حفظ سلطه طبقاتی بورژوازیست، امری که در شرایط عادی جامعه در مراحل رکود سیاسی تا مین است، اما در شرایط بحران های حاد سیاسی، ارتش و بوروکراسی نیز انسجام و یکپارچگی خود را از دست می دهند. تضادهای درونی آنها تشدید می شود و با بروز شکاف در درون اسن ارکان آنها و متناقض شدن آنها به ناسی رژیم حاکم در کل مایشین دولتی شکافی پدید می آید و زمینه در هم شکستن اسن مایشین توسط توده های مردم و سرکونی طبقه حاکم فراهم می آید. واقعیتی که ما امروز در ایران با آن روبرو هستیم - وجود یکپارچگی و انسجام ارتش و بوروکراسی بلکه گذشته از اینا کندگی و فقدان انسجام، نوعی دوگانگی است که در ارکان مایشین دولتی حاکم عمل میکند. در رژیم جمهوری اسلامی شالوده ارتش و بوروکراسی را همان دستگاه بوروکراتیک - نظامی رژیم است که تشکیل میدهد. اما در کنار این دستگاه بوروکراتیک - نظامی (ارتش، ژاندارمری، شهرپانی، دادگاهها، زندانها، وزارتخانه ها و ادارات متعدد) یک دستگاه بوروکراتیک - نظامی مرکب از سیاستداران، کمیته ها، ساوا، سازمانها و دادگاههای ویژه، ادارات و بنیاد متعدد و غالباً "مذهبی" وجود دارد. که گرچه ما هیئت "ارکانها و نهادهای نخستین" تفادونی ندارند، اما دارای - ویژگیها و عملکردهای می باشند که منجر به تضادهای و تناقضاتی در کل دستگاه بوروکراتیک - نظامی می گردود و در برخی موارد آنها را رودر روی یکدیگر قرار میدهد و عملیات یکدیگر را خنثی می سازند. فیالمثل تا هنگامیکه ارتش و سپاه بصورت دو واحد مستقل با سازماندهی مجزا از یکدیگر وجود دارد، همیشه بین آنها درگیری و عدم هماهنگی وجود خواهد داشت. گرچه در مواردی که مسئله سرکوب توده ها در میان بوده است، این دو ارگان، مشترکاً "توده ها را سرکوب کرده اند، اما بهر رو این امر مانع از تضاد و درگیری این دو بخش ارگان سرکوب نشده است. نمونه دیگر تضاد میان شهرپانی و کمیته و عدم همکاری و هماهنگی اسن دو بخش ارگان سرکوب است. در دادگاهها و زندانها نیز غالباً "این تضاد چشم میخورد. گرچه اخیراً رژیم جمهوری اسلامی پس از فائق آمدن رولیسرها و تصرف تمام دستگاه بوروکراتیک - نظامی گذشته، تلاشهایی را در جهت هماهنگی و ادغام این بخشها آغاز کرده است، اما بهیچوجه قادر نیست این دوگانگی و تناقض را حل کند. رژیم جمهوری اسلامی

بنوعیت از مذهبی کردن کل رویینسای سیاسی - ایدئولوژیک، اقدامات - مشابهی را در ارتش و بوروکراسی آغاز کرده است و این امر به تناقضات موجود در این زده است. فیالمثل در وزارتخانه ها و ادارات اسن هم "راکامل" تصرف خود در آورده است. لیسرالهای "لامذهبی" را کنار گذاشته است، انجمنهای اسلامی تشکیل داده است و... اما در عمل محصور شده است انسجام کارهای اجرائی و بوروکراتیک را سیمان افشارولایه های با عیلاج مشخصی و اگذارکننده پیش از - همه به لیسرالها تمایل دارند. در ارتش نیز یک چنین وضعی حاکم است. رژیم جمهوری اسلامی در اسن ارتش، ژاندارمری، شهرپانی، فرماندهان مکتبی، مورد اطمنان خود را قرار داده است، اما بدنه آن هیچگونه هماهنگی با مجموع خواستها و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی ندارد. فشارهایی که لیسرالها، مختلف به یزسنل ارتش و کارمندان ادارات وارد می آید، نه تنها جاره ساز فقدان انسجام و هماهنگی آن رژیم جمهوری اسلامی نیست بلکه به فشاربندی هایی با تمایلات معین منحصر شده است. لایه های بالائی ارتش و بوروکراسی پیش از پیش به بورژوازی - بزرگ، لایه های میانی به بورژوازی - لیسرال و لایه های پائین آن شامل سربازان، درجه داران و افسران جزء، کارمندان دین رتبه ادارات بسنوی نیروهای انقلابی تمایل پیدا کرده اند. این ارتش و بوروکراسی در کلیت خود نمی تواند در چنین شرایطی پایه های مستحکمی برای مایشین دولتی موجود و پاسدار قدرت سیاسی حاکم باشد. این تناقضات و تضادهای که بر شمرده ایم با ضافه تناقضات بیشماری که رژیم با آن روبرو است، همگی دلایل و شواهد انکارناپذیری هستند بر اینکه این رژیم قادر نیست موقعیت سیاسی خود را مستحکم سازد و از سقوط نجات یابد. ناتوانی اقتصادی و سیاسی رژیم که خود را در آشفتنی و بحران اقتصادی و سیاسی، فقر فزاینده توده ها، فشار طاقت فرسای زندگی، جنگ و آوارگی، ناامنی و... نشان می دهد، رژیم موجود را از زپای درخواهد آورد. سلب آزادیهای سیاسی و حقوق اولیه توده ها، کشتارها و اعدامهای دستجمعی، زندانهای نباشته از انقلابیون و خلاصه سیاست سرکوب ترور و اختنا قگرچه قادر است تا ثیرات لحظه ای خود را در مبارزه توده ها، و وضعیت سیاسی جامعه بر جای بگذارد، اما تضادهای موجود را تشدید خواهد کرد و سرنگونی رژیم را تسریع خواهد نمود. - نقشه در صفحه ۱۷

## مبارزه با امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



# ضوابط جدید پرداخت پاداش به کارگران گامی در جهت تشدید استثمار

رژیم جمهوری اسلامی همواره کوشیده است تا با احیای قوانین ضد کارگری و مهربانی و حتی با تصویب قوانینی بمراتب ارتجاعی تر و کوشنده تر از آن، زمینه مساعدی را جهت سودآوری موسسات تولیدی و بازرگانی نظیر مسما به داری، با تطبیق فشار رهبر چه بیشتر بر سر کارگران ایجاد نماید. یکی از این شیوه های مهلک فشار بر کارگران، با شناسایی نگاه داشتن سطح دستمزدها است. تا از طریق کاهش هزینه تولید، سود موسسات افزایش یابد. شناسایی دستمزدها برای اعمال جاری بهمان میزان حداقلی که در سال - قبل پرداخت می شد، بدون توجه به افزایش سرمایه و رقیقت ها، و تقویت پرداخت سود ویژه در سال گذشته از جمله این سیاست های ضد کارگری رژیم می باشد.

حکومت، در سال گذشته، تحت عنوان اینکه قانون سود ویژه "طاعتی" است، آنرا لغو کرد و از پرداخت آن خودداری می نمود، سپس بر اثر عکس العمل اعتراضی گسترده کارگران و وعده نمودن ترتیباتی اتخاذ خواهد کرد تا منافع کارگران را - تا مین کند. و حال، با لایحه وزارت کار و - امور اجتماعی که در حقیقت وزارت رفاه و - رفاه امور سرمایه داران است، "ضوابط طرح بود" پرداخت پاداش به کارگران بر اساس افزایش تولید را بعنوان جایگزین قانون سود ویژه اعلام کرد.

ضوابط جدید پرداخت پاداش به کارگران در واقع چیزی نیست جز بخشی از همان قانون سود ویژه آری مهربانی، این تفاوت که ضوابط جدید من دارا - بودن کلیه مشخصات ضد کارگری قانون بود و ویژه از حداقل حقوقی هم که برای کارگران در آن قانون پیش بینی شده بود، برخورد - دارمی می باشد. سمباعت دیگر، ضوابط جدید استثمار کارگران ترین شکل از قانون سود ویژه آری مهربانی است که در همان راستای سیاست های حکومت برای ایجاد زمینه های مساعد سودآوری برای سرمایه داران، قرار

دارد. سرمایه داران بمنظور بهره کشی هر چه بیشتر از کارگران، به شیوه های مختلفی متوسل می شوند. یکی از این شیوه های - متداول که هم در قانون سود ویژه و هم در ضوابط جدید کار گرفته شده، مصلحتی گذاشتن پرداخت قسمتی از دستمزدها کارگران و موکول کردن آن به فرمانبرداری از - کارفرما، افزایش تولید و "تعمیرات" افزایش سود است. بعنوان مثال، در سال جاری، حکومت حداقل دستمزدها به کارگران را بدون توجه به افزایش سرمایه و رقیقت ها در همان میزان سال قبل، سودی حدود - ۳۰٪ برآورد نمود. در حالی که عمده ترین ضوابط وزارت کار که در جدول تعمیم دستمزدها مشخص است، حداقل - دستمزدها به کارگران را به ۱۲۰٪ برآورد - با عنوان مقدار با توجه به بالارفتن قیمت ها، افزایش یابد. اما سرمایه داران دولت حامی آنها جای پرداخت ۱۲۰٪ - برآورد به کارگران فقط ۳۰٪ برآورد آنها می برد و دومانی آنها (یعنی ۷۰٪ برآورد از حداقل حقوق هر کارگر) به دولت - تقسیم می کنند. یک قسمت عمده آنرا خود به جیب می زنند و قسمت کمتری از آنرا به - صورت های مختلف ارفیل پاداش، عیدی و سود ویژه به کارگران باز می گردانند. به این صورت سرمایه داران قصد

دارند که، اولاً، با به حقوق کارگران را در سطح پایین ترین نگاه داشته و از این - طریق با پرداخت سهم کمتری از بهیمه، - اضافه کاری و غیره که بر مبنای پاداش حقوقی محاسبه می شود، در هزینه های خود صرفه جویی کنند و همچنین کارگران رسمی از حقوق بازنشستگی کمتری برخوردار شوند. - ثانیاً، با موکول کردن پرداخت قسمتی از دستمزدها کارگران به میزان افزایش تولید یا سود، کارگران را وادار کنند که با سرعت بیشتری کار کرده و استثمار آنان را شدت بخشند. بود هزینه را بطور اعتدالی - های کارگران را از طریق کم کاری، اعتصاب و غیره، با تفرقه انداختن بین صفوف - آنان درهم بشکنند. و ثانیاً، اینکه بنسب، نسبتاً بیشتر گسترده، اینگونه و ناموفق باشد که پرداخت پاداش سود ویژه به کارگران - الطاف سرمایه داران بستگی دارد، و - دولتی که چنین قوانینی را تصویب می کند، دولتی است که در جهت منافع کارگران گام بر میدارد و به این ترتیب استثمار و - وحشیانه سرمایه داری و ما هیبت ضد کارگری رژیم را پنهان کند.

از این سو سود ویژه و همچنین ضوابط جدید پرداخت پاداش در حقیقت قسمتی (آنهم به طور کامل) از دستمزدها کارگران - است که با اهداف استثمار کارگران فوق پرداخت شده است. با این وجود، وقتی که حکومت قانون سود ویژه را لغو نمود، ماضی نشان دادن ما هیبت این قانون، از آنجا که در پاداش کارگران کاهش -

پیدا می کرد، اعلام کرد به دست تعمیم - ضوابط جدیدی که بتوانند منافع کارگران را تا مین کند "سود ویژه" قسمتی از دستمزدها کارگران است یا بپردازد شود. - اما ضوابط جدیدی که از طرف وزارت کار برای پرداخت پاداش اعلام شده است، به هیچ وجه در جهت منافع کارگران قرار - ندارد. این ضوابط همان اهداف را پیسند استثمار کارگران قانون سود ویژه آری مهربانی را دنبال می کند. منتهی با شدت بیشتری و - بچنان صورتی که عملاً چیزی عاید کارگران نخواهد شد. یک مفاصله جالبی بین ضوابط جدید پرداخت پاداش با قانون سود ویژه خود گویند. درجه استثمار کارگران به ضوابط جدید است. در قانون سابق، شیوه "سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها" چنین بیان شده بود که "کارفرما با مکلّفند ... بیمه آن دسته جمعی بر اساس اعطای - پاداش به تناسب احتمال یا صرفه جویی در هزینه ها یا تقلیل ضایعات یا سهیم کردن کارگران در منافع خاص یا روشهای - مشا به دیگری با طریقی مرکب از دو یا چند روش مذکور که موجبات افزایش درآمد کارگران را فراهم نماید تا میزان آن - کارگران را افزایش دهد یا تا میزان آن - کارگاهها را افزایش دهد. اما این ضوابط جدید، پرداخت پاداش تنها به تناسب احتمال، یعنی به درجه افزایش تولید بستگی دارد و لاغیر. بنابراین دیگر ضوابط جدید برای پرداخت پاداش فقط یک شیوه - پیش بینی شده که از این نظر محدودتر از - قانون سابق است.

اما سیاست های ضد کارگری رژیم تنها مربوط به این نمی شود که فقط یک شیوه از قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها را انتخاب کرده است، بلکه ضوابطی که برای سنجش افزایش تولید پیش بینی

شده نیز بصورتی است که بیشترین کار را با کمترین پاداش جواب داده شود. در طرح - جدید وزارت کار چنین می خواهم که - "پرداخت پاداش افزایش تولید بر اساس ما از دستورات تولید کارگاهها خواهد بود" و بر این تعمیم استناد دارد، روشهای - استاذ زه کبری مختلفی را پیشنهاد نموده که از آن میان، روشی که با بالاترین رقیقت استناد دارد تولید را نشان می دهد مبنای - محاسبه استناد دارد تولید خواهد بود. در حقیقت رژیم سخت ترین و استثمار کارگران - ترین روش را برای محاسبه استناد دارد. تولید معین کرده است، که کارگران در بخشی می توانند افزایش تولیدی ما از دستورات داشته باشند.

بر اساس طرح وزارت کار با زاه یک در صد افزایش تولید ما از دستورات استناد دارد، به میزان یک درصد دستمزدها است به کارگران پاداش پرداخت می شود، که حتی در این صورت نیز مبلغ قابل توجهی از باقی مانده افزایش تولید نصیب کارگران نخواهند شد. مثلاً اگر موسسه ای به افزایش تولیدی به میزان ده درصد ما از دستورات استناد دارد - نائل شود، کارگری که حقوق ثابت روزانه وی ۳۰٪ برآورد می باشد از این بابت فقط ۳٪ برآورد می شود. در شرایط حاضر، مبنای شرایط بحران اقتصادی خاک برآورد بر آن کسی پوشیده نیست که اکثر کارخانه ها با شرایطی بسیار با شین تراژ زمینای استناد دارند تولید می کنند. به این ترتیب حتی میزان ذکر شده برای پرداخت پاداش، موضوعی نیست که اکنون برای اکثر کارگران - موسسات تولیدی قابل وصول باشد.

بنابراین، در شرایط حاضر، مبنای پرداخت پاداش عمدتاً "مربوط به کارگاه ها" می شود که تولید آن کمتر از ۵۰ درصد است. این کارگاهها تولیدشان کمتر از ۵۰ درصد است. پاداش قرار نمی گیرند. یعنی به بخشی از کارگران اصولاً پاداشی تعلق نمی گیرد. اما کارگران کارگاهها که تولیدشان بیش از ۵۰ درصد است، پاداش می گیرند. به ازای یک درصد افزایش تولید، به میزان دودوم درصد حقوق ثابت، پاداش دریافت می کنند. بعنوان مثال، اگر تولید یک چنین کارگاهی ده درصد افزایش یابد، کارگری که حقوق ثابت روزانه وی ۳۰٪ برآورد می باشد، بابت افزایش تولید فقط ۱۲٪ برآورد پاداش دریافت خواهد کرد. این میزان به اصطلاح پاداش را مفاصله کنید با آن بخش از حقوقی که به کارگر پرداخت شده (یعنی ۷۰٪ برآورد) تا "الطاف بزرگوارانه" رژیم حامی سرمایه داران بیشتر روشن شود.

شیوه ای که رژیم جمهوری اسلامی برای پرداخت پاداش بر اساس افزایش تولید اتخاذ کرده است، بجز آنچه ذکر شد، به وسیله دیگری را نیز برای سرمایه داران در دسترس دارد. اکنون، در شرایط بحران تورمی حاد، موسسات تولیدی بدون تغییر در میزان تولید می توانند با استفاده از افزایش سرمایه و رقیقت ها، به سودهای سرشاری - دست یابند. یعنی افزایش قیمت ها، سود موسسات تولیدی را افزایش می دهد. بدون اینکه این افزایش در میزان پاداش استناد دارد پاداش کارگران در بخشی داشته باشد. در حقیقت کارگران با بد فقط با افزایش قیمت ها را بردوش کنند.

## افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

# کارگران قهرمان "واشر" با اتحاد ویل پارچی، شورای واقعی خود را تشکیل دادند

اخیرا کارگران مبارز و شجاع اقدام به تشکیل شورای انقلابی جهت کسب حقوق واقعی خود نمودند. در این میان عناصرا خود فروخته و سازشکار رکوشدند اما ایجا دستفروخته در بین کارگران مانع ایجاد شورای واقعی گردیدند و شورای قانونی را به جای شورای واقعی که منتخب همه کارگران باشد آنها قالب کردند. اما کارگران - آگاه و آزرده بودند و لزوما ایجا دشمنی انقلابی پی بردند و وطنه آنها را از غش خشنی نموده و با شرکت یکبارجه خود راجع عمومی که به منظور انتخاب شورای شریک با ده شده بود ضمن آفتاب و طردنفره آفتاب از زمین عین از کارکنان ۳ تن را انتخاب کرده و به این ترتیب مشت محکمی برده ان یاوه کویان رژیم جمهوری اسلامی که همواره از ایجا دشواری قانونی یعنی شورای های وابسته حزب جمهوری اسلامی دم میزنند کوبیدند.

## پیشانی رژیم جمهوری اسلامی

چندی پیش مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه تهران تا مردود اخراج چند تن از کارگران مبارز سرآمدند که این مسئله باعث اعتراض همه کارکنان گردیده و کارگران با اتحاد و اعتماد خود توانستند در مقابل این عمل وحشیانه مقاومت و متمسک شوند و مانع اخراج همکاران خود گردیدند. اخیرا با صدور این جمهوری اسلامی با استفاده از جوخه فغان و سرکوب با ردیگر مسئله اخراج دستگیری این کارگران را پیش کشیده و متعاقبا اعلام این مسئله به تن از کارگران مبارزه جرم دفاع از حقوق

روزنامه چریکها  
مؤسسه نشر و انتشارات  
چریکها

# خبر

پنجشنبه ۱۵ بهمن - سال شانزدهم چریکهای فدایی خلق ایران - شماره ۱۳۴

برحق کارگران کارخانه اخراج چوبک نفر از آنها دستگیر شدند این مسئله با ردیگر همکاری بین کارگران جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخوران نشان داد. کارگران مبارز تهران تا مرزا این عمل ضد کارگری سپاه که مورد تائید مدیریت کارخانه نیز نبوده است ایرا از نزار می کنند.

## انجمن های اسلامی ساواک جدید کارخانه ها

رژیم جمهوری اسلامی که بعد از راه پیمانگی با شکوه و خونین کارگران مبارز شهر صنعتی در ۲۷ خرداد به وحشت افتاده است ، با بیشترین نیرو در جهت سرکوب کار میبرد. اخراج، دستگیری، زندان و شکنجه و چترس و وحشیگری جمهوری اسلامی است. اما رژیم به این هم اکتفا نکرده و سعی دارد از طریق تشکیل انجمن های اسلامی و تقویت آنها به شنا سازی کارگران مبارز پرداخته و هر حرکت حق طلبانه آنها را با مارک ضد انقلابی و ضد اسلامی درهم کوبد.

بدینال این تصمیم رژیم است که در بسیاری از کارخانجات انجمن اسلامی تشکیل شده و با زور همه های تشکیل آن به گوش میرسد. انجمنهای اسلامی این لانه های جاسوسی که کوچکترین اعتراض کارگران را با اخراج و جریمه یا سبیدهند و همکاران سرمایه داران ندای افزایش تولید را سر داده اند، در صددند با این شیوه ها سقوط رژیم جمهوری اسلامی را به تاخیر اندازند. هم اکنون در بسیاری از کارخانه ها نظیر تند، کنتور سازی و... این مزدوران با

ایجا دجوشا روخفغان کارگران مبارز - این کارخانجات را تحت شدیدترین فشارها قرار داده اند. کارگران انقلابی و مبارز با بدبنا افشای مداوم و مفاصلت یکبارجه در مقابل سیاستهای ضد انسانی انجمنهای اسلامی، همانگونه که ساواک را در کارخانه ها ریشه کن نمودند، این لانه های جاسوسی را در هم کوبند، و شورا های واقعی خود را ایجاد کنند.

## "بار دیگر کارگری قربانی منافع سرمایه داران شد"

اخیرا "در کارخانه سوپرا الکتریک کارگری سرآوردن امکان ات ایستی، به دلیل برقی گرفتگی جان خود را از دست داد. این حادثه با ردیگر ما هیت نظامی سرمایه داری را بیوضوح آشکارا ساخت و به کارگران آموخت که در رژیم سرمایه داری تنها چیزی که مهم نیست جان کارگران، وضعیت زندگی خود و خانواده های آنهاست و در حالیکه سرمایه داران وابسته به حزب حاکم، مقادیر زیادی از حقوق نابرابر کارگران را به نیغما می برسد و دولت سرمایه داری - جمهوری اسلامی از حق بیمه کارگران میلیاردها تومان دزدی میکند، کوچکترین اقدامی در جهت حفظ جان کارگران نشده و در حالیکه هر آنجا حادثه بشمارا رخا تان را در معرض نابودی قرار داده است، دولت سرمایه داری برای حمایت بیشتر از منافع سرمایه داران از ایجا دکترین امکان درمانی نظیر ایجا درمانگاه در کارخانجات، بیماران در شهر صنعتی و دیگر امکانات سر بازمیزند. تمام این جریانها ت بسسه کارگران می آموزد که تنها حکومت کارگری یعنی حکومتی که ازلد شورا های واقعی کارگران بیرون آمده باشد منافع حفظ منافع زحمتکشان است.

## مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟



و ارد کوچک شدیم ساعت بعد از ظهر بود. کوچک گرفته و مفوم، چهره ای متفاوت از همیشه داشت. از زنه های محل که اکثر آنها عصرها چند نفری کنار درهای خانه ها به صحبت می نشینند خبری نبود. اما گاه بیگاه مردان و زنانی سیا بهوش که بطرف ته کوچه می رفتند دیده می شدند. چند قدمی ترفته ایم که معصومه خانم از پشت پنجره ما را می بیند و با سربه درون خانه دعوت ما میکند. خانه محقری که هر گوشه آن نشان از فقر و بدبختی دارد. وارد که شدیم معصومه خانم بی مقدمه با حالتی متنازک گفت "بیا شید تو همه با هم می رسم، مستظربم که زهرا خانم سه نون بخوره اما را نیسم. می برسم چرا، معصومه خانم که پس از عمری رخت شویی در خانه های مردم - دنیا شتی تجربه کسب کرده با حالتی که به خوس تشغیر نشان میدهد میگوید - شوهرش بیسیجه، خودش هم بیسیجه با بسد محتاط بودا بسرو زها مثل مکس آدم می کشند" حرفش تمام نشده که مهربی خانم، همایشون در حالی که انگ می ریزد و مدها میسینه اش - میزند در حیاط ظاهر میشود و میگوید: چرا گشتی یکبارجه آقا بود آزارش به مورچه هم نرسیده بود به دردمه میرسید بی شرفها حالا هم جا زنده اندید و ما درس ختم بگیرند، اینها روی شاه رو سفید کردند" من میبرسم؛ ولی انگار ختم گرفتند چون الان چند نفری می رفتند تو خانم که همه سپاه پوشیده بودند" سهری خانم صدای آرا میگوید "نه چو شم همه بوا خکی برسد چند لحظه می نشین و بلند

میش، این پس آفتد با شرف و مردم دار بود که همه دوستش داشتند، انگار که بر خود آمو شیرا رون کردن بعد از رفتن زهرا خانم بیسیجه ما هم به طرف خانه رفیق شهید می رویم. جلو خانه چشمه جا کبریا نوا می افتد می برسم "اینکه حزب الهی بود اینجا چیکار میکنه" معصومه خانم با حالتی که حاکی از رضایت خاطر است میگوید: "تو خیلی وقته نبود میبندی مردم فقیدر عوض شدند، جا کبریا زهمه ما لغت شده، همیشه از این میگویی موقعی تو محل قلچماقی میگوئی تا راحت و شرمند است نمیدونی الان موقع تان دادن به حزب الهی های محل فقیدر این دست و آن دست میکند" خانم مرا حت - شدوا زبله با لاف تم در سکوت بله ها صدای زنی که پشت سرما می آید میگوید "هر کسی را می کشند، بدبخت و بیچاره است، آتوقست میکنی مستضعف، مستضعف توی سرتان - بخورد مگر این پسر مستکبر بود که کشندش همه تو محل میدوندند که از مال دنیا فقط - یک دو چرخه داشت. تنها اتا قی محقر خانه را محل زبانه کرده اند اتا قی همسایه را مردانه وارد می شویم دور اتا قی زنهان نشسته اند، به قیافه هایشان نگاه میکنم حتی از چند کوچه پایین تر آمده اند، بحر نم که در جهره همه خوانده می شد فقر نریزیست تمام شان مشترک است. علی رغم این نشسته شهادت رفیق قلیسا زنا دی بر می شود. این جا توده ها هستند، توده های که با محویشان، علی رغم تمام می شهیدها و بیخنا مه های رژیم فلانگا، موجودیت رژیم و تسلیمات پوشتالی

اش را به ریشخند گرفته اند. کتا در ستمن میا تسالی نشست کسه چا درسیا هش آنقدر که شسته شده به خا کستری میزد، بزرگ با کرب میگوید: حتی غسل و گفنش هم نکردند میکن کافره، خود شون - کافرند، کافر این بد سوخته ها ن که مردم می کشند، کافر این گردن کلفتها هستند که از موقع آمدنشون آب خوش از گلو می بیجسند پاشین ترفته می برسم" می گن کمونیست بوده است؟" زنا زبیر جا در در حالی که بغض خود را فرو میدهند میگوید "کمونیست بوده که بوده مگر چه عیبی داره، اینها هر کس را که از بدبخت و بیچاره ها حمایت کند می گن کمونیست" "لا... حرفش با ورود زن دیگری قطع میشود زن بخش ورود شروع به توبه می کند، به طرف ما در شهید میرو و بیاهای های گریه میگوید "مدا مبر منو کشت، اینا بسرتور و کشتند خدا دلیلشون کند" مهربی - خانم پس از آرام کردن زن آرام میبرویم میگوید "دا عدا برود ممکن بود بخواد عقده دلش بیه خمنی خالی کنه، صلاح نبود، وقت باقی است زموه استجوری نمی موه" زن ها هر کدا م حرفی میزنند، معصومه خانم می گوید "حرفت منو میدی می گفت نشسته معصومه کی سا مبر فیات را برویم، هر وقت لازم بود دخالت کنش بی رودروسی بسا دنیا لکه موه خوال میم میبرسم" تنه اگر خمیسه تکلیف شرعی کند که در مرا سم عزای با صلاح کفا شرکت نکنند چکار می کنی" سرش را محکم تکمیدارد و میگوید "مگر لا انکرده، کی گوش میده" از خانه بیرون می آیم جملات رفیق گلرخی در - گوشم صدا میکند "روزی که خلق بداند، هر قطره خون تو محراب میشود" و اینک غلغله میداند، خلق با کوله با رجند سال تجربه بقیه در صفحه ۱۶



# پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۴)

## پرولتاریا و آزادی سیاسی

اینک پس از بررسی اجمالی از دمکراسی وروستانی سیاسی، درجوامع امپریالیستی و سرمایه داریواسته بهتر است به بررسی اهمیت و لزوم آزادیهای سیاسی در رابطه با مبارزات پرولتاریا سپرداریم.

طبقه کارگر برای آنکه قادر باشد انقلاب را به پیروزی برساند، برای آنکه بتواند جامعه را بسوی سوسیالیسم به پیش ببرد، برای آنکه قادر باشد اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را کرده، باید تعلیم و آموزش ببیند، کارگران باید به مبارزه یک طبقه، انسجام و تشکل یابند و تمامی این مسائل ممکن نیست مگر در محیط دمکراتیک، مگر با وجود آزادیهای سیاسی. لنین در این مورد میگوید: "بیل به این هدف - بر سر انداختن ما لیکت خصوصی و سایر تولید و ایجاد جامعه سوسیالیستی - سطحی عالی از گسترش نیروهای مولده سرمایه داری و تشکل طبقه کارگران ایجاد میکند. بدون آزادی سیاسی گسترش کامل نیروهای مولده در جامعه جدید بورژوازی، وجود مبارزه طبقاتی آشکار، آزاد وسیع، آموزش سیاسی، تعلیم و بسج پرولتاریا، غیر قابل تصور است. آزادی بورژوازی، مصلحت برای آزادی -

کامل سیاسی و انقلاب دمکراتیک همواره هدف پرولتاریا است. آنگاه بوده است. (لنین وظایف دمکراتیک پرولتاریا را انقلابی-تاکید از ما است)

پرولتاریا تحت رژیم دیکتاتوری، تحت سرکوب و خفقان بدشواری قادر است مبارزات خود را گسترش دهد و تکامل بخشد، دوران - شتاب رژیم ثوری را بخشد، در تحت شرایط دیکتاتوری شبه فاشیستی حاکم، کوچکترین مبارزات پرولتاریا به شدیدترین شکل، سرکوب میگردد، اغماضات در نطفه خفه میشد، حرکات اعتراضی بخون کشیده میشد، از سوی دیگر ستم و آخنتساق و خفقان حاکم، تجربیات و دستاوردهای همین مبارزات نیز به سختی امکان انتقال به سایر کارگران را میبافت و عمدتاً "به شکل داده های پراکنده و جرقه های جدا از هم موجود می آمد و از زمین می رفت. در نتیجه مبارزات کارگران امکان گسترش بنگن زنجیره ای بهم پیوسته را نمی یافت. مبارزات نه در تداوم هم و در تکمیل یکدیگر نه با استفاده از تجارب و دستاوردهای سایر مبارزات، بلکه تشکلی پراکنده و پوی میگرد. ولی در همین رژیم در مقطع اوچکیری بحران که دیگر "بالا تیاها" قادر نبودند دیکتاتوری و خفقان را بشکل کامل اعمال نمایند، تا حدی بودیم که چگونه همین مبارزات در زنجیره ای بیپوسته تروبا انتقال تجارب بیکدیگر تشکل میگرفت، دیگر تجارب ابتدائی احتیاجی به تکرار نمی یافت، دیگر همه کارجات از ابتدا خطاهای اولیه را تکرار نمی کردند، صندوق اعتبار که در نطفه تجربه میشد در تداوم تریبکا رگرفته میشد، حتی کارگران سلخوور نرفتند به سایر کارگران رهنمود میدادند، قطعاً نه هسای و خواسته های کارگران در تکامل یکدیگر

پدید می آمد، هرخواستی بر اثر جمع بندی مبارزات متشکل ملتر میشد... طبقه کارگران با استفاده از محیط نیمه دمکراتیک حاصل، مبارزات خود را شد و تکامل می بخشید.

پرولتاریا تحت رژیم دیکتاتوری قادر نیست سازماندهی خاص خود را بشکل گسترده ای ایجاد نماید. در چنین شرایطی کارگران نمیتوانند دستاوردهای خود را حفظ نموده تکامل بخشند، سدیکارهای واقعی اتحادیه های سراسری کارگران و سایر تشکلات - کارگری در شرایط دیکتاتوری تشکل گسترده و توسعه گیر خود را نمی یابند. آموزش سیاسی و تعلیم طبقه کارگر در شرایط دیکتاتوری بسیار دشوار است. در شرایط دیکتاتوری، طبقه کارگر قادر نیست سازماندهی توسعه ای وسیع و پایداری پیدا کند. با افسار رو طبقه تعلق ارتباط ارگانیک حاصل نمایند و آنان را حول پرچم خود گرد آورده، لنین در کتاب - گرایش فقه رانی در سوسیال دمکراسی روس می نویسد: "چرا باید سرنگونی استبداد نخستین و طبقه کارگر روسیه با شد زیرا در رژیم استبداد، طبقه کارگر قادر نیست مبارزه خود را به نحو گسترده رشد و تکامل بخشد، برای خود هیچگونه مواضع شایسته در زمینه های اقتصادی و در زمینه های سیاسی بدست آورد. سازماندهی واقعی توسعه ای ایجاد کند و پرچم انقلاب اجتماعی را در برابر برآورده های زحمتکش برافرازد و به آنان بیاموزد که بخاطر آن مبارزه کنند. مبارزه فطری طبقه کارگر به صورت یکپارچه علیه طبقه بورژوازی فقط تحت شرایط آزادی سیاسی ممکن است (تاکیدات از ما است)

در اینجا بخوبی ارتباط تنگاتنگ لزوم آزادیهای سیاسی و گذار به سوسیالیسم روشن میگردد. طبقه کارگر بدون وجود مفقومی از شرایط دمکراتیک، بدون دست یابی به آزادیهای سیاسی قادر نیست - آنچنان تشکل و سازمان یابد، آنچنان - آبدیده و کارآزموده گرد و توان آنچنان متحدان خود را گرد پرچم خویش جمع آورد که بتوانند پس از دستیابی به قدرت سیاسی به اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بپردازند و ساختار سوسیالیسم را پیروز نمایند به پیش برد. در شرایط دیکتاتوری توسعه ای امکان - تمسار کارگانیک و روشنفکران با پرولتاریا در شکل گسترده و وسیع، میسر نیست. و بهمین علت است که راه سوسیالیسم توسط دمکراتیسم سنگفرش شده است. ما رکنی سیاسی گوید "مسلم" دمکراتیسم مبتدلی همگسه حیات جمهوری دمکراتیک را در ایجاد می هزار ساله می بیند، رد و پراورده در گذشته دقیقاً در همین آخرین شکل جامعه بورژوازی است که مبارزه طبقاتی به نتیجه ای فطری خواهد رسید، سر بلند و سرفراز جلوه می نماید... (مارکس - نقد بر تانما گوتنا - تاکید از ما است) پرولتاریا فقط با بهره گیری از محیط دمکراتیک خواهد توانست مبارزه طبقاتی را به نتیجه ای فطری رهنمون - گرداند و پس -

حال که روشن گشت که طبقه کارگر برای

نبیل به سوسیالیسم فقط "و همواره احتیاج به برخورد داری از مرحله ای دمکراتیک و بهره گیری از مفقومی از حاکمیت آزادیهای سیاسی دارد. نکاتی چند را با بسند تذکر داد:

- ۱- ما رکن و پس از اولنسن بر لزوم وجود یک مرحله دمکراتیک جهت پرورش یا فتن و تشکل پرولتاریا تصریح دارن و تشکل تحقق آنرا در دمکراتیسم کردن رژیم سیاسی بیان میکنند. تحقق این دمکراتیسم کردن ممکن است توسط اعمال فشار از "پاشین" یا فشار از "بالا" و یا تشکل انقلابی سیاسی باشد. مثلاً لنین در تعریف مبارزه دمکراتیک میگوید: "مبارزه دمکراتیک (مبارزه برخود حکومت مطلقه یعنی مبارزه ای که هم آن معروف بدست آوردن آزادی سیاسی در روسیه و دمکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی روسیه است)..." (لنین - وظایف سوسیال دمکراتی روس)
- ۲- اما در جوامع سرمایه داریواسته عموماً "روستیای سیاسی را در شکل دیکتاتوری بروز مینماید (که از آن سخن گفتیم) و امکان تشبیت و تداوم دمکراتیسم بورژوازی سیاسی امی نادراست. در این رابطه است که تحقق مرحله ای آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم نمودن محیط در جوامع خود بدست پرولتاریا و توسط اعمال دیکتاتوری خلق - برهبری و امپراتور است. و در این مرحله است که شرایط عینی و ذهنی لازم برای گذار به سوسیالیسم مهیا گشته اند و آرک دیده میشود.
- ۳- در شرایط بحرانی و در شرایطی که بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تمایز دلی نسبی برقرار میگردد، به این علت که "بالا تیاها" نمیتوانند دیکتاتوری خود را بشکل کامل اعمال نمایند (دقت کنید که در این مقطع هنوز اولزا ما "موقیست انقلابی حاکم نیست، بلکه شرایط کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب است) حدود مرز آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم توسط کشاکش بین دوار و کاه انقلاب و ضد انقلاب تعیین میگردد. در این مورد باید در نظر داشت که اولاً "چنین شرایطی ویژه و موقتی است، ثانیا "در این شرایط آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم حاکم بر جامعه عمدتاً در واری قوانین و نظم موجود تشکل میگردد و نمیتوان آنرا بعنوان شکل حکومتی بورژوازی وابسته بحساب آورد. و با لایحه اینک در چنین شرایطی اهمیت مبارزه - دمکراتیک دو چندان میگردد. زیرا پیشبرد آن در عین تعمیق مبارزه طبقاتی رشد سازماندهی و تشکل پرولتاریا و متحدانش... به گسترش دستاوردهای انقلاب و تعمیق و تشبیت آنها میانجا مدو پرولتاریا حتی در شرایط نیمه دمکراتیک و موقتی که ایجاد میگردد تا در است با سرعتی بسیار - افزونتر، آموزش و تعلیم با بدو به گسترش تشکل خود بپردازد.
- در همین رابطه هیچگاه نباید تصور کرد که هر چه دیکتاتوری شدید تر و سرکوب اعمال شده بیشتر باشد (دقت کنید شد بدتر و بیشتر و غیر اینها) ما هیت رژیم بریتانرا افشا میگردد و انقلاب بعدی به جلومی افتد، نباید اینگونه تصور نمود که رژیم هر چه بیشتر بشکند، بگیرد و سرکوب کند بهتر است چون مردم بریتانرا در می شورند. در چنین تصوراتی کوچکترین اثری از شناخت و تحلیل علمی وجود ندارد. در این شیوه از اندیشیدن نه تنها لزوم وجود آزادیهای سیاسی و دمکراسی برای تشکل سازماندهی و تعلیم و آموزش پرولتاریا فراموش شده، بلکه این مطلب نیز فراموش شده که

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

هموطنان مبارز

# علیه فشارها، ظلم و ویداد گریهای رژیم مقاومت کنیم!

موارد، مردم را با ید تشویق کرد که آخسار مبارزات مردم و نیروهای انقلابی را بهر وسیله و از جمله تلفن در اختیار هم بکنند. جنبه دیگری از سیاست اختناق و اعمال فشار رژیم متوجه تاسکی ها است. رژیم که از این نهادهای سیاسی تبلیغاتی و افشاگری عاصی شده بود طی تهدیدات مکرر و صدور اعلامیه ها طی از طرف ستاد امنیت تهران، دادستان انقلاب و... برای تاسکیرانان خط نشان کشید و طی با بنجاحات تعویضات با فرستادن ما موریتی به داخل تاسکی و با زگردن سر صحبت گوش به شناسا تاسکی تاسکیرانهای متفرقی کرده و سپس با جلب پاره ای از آژانسگان تاسکی به کمیته ها و لنجوانان آنها و حتی مصافحه ما شین و در مواردی زندانی کردن آنان، و اعلام پر سروصدای این اقدامات از بقیه زهر چشم گرفت. اما آنچه که باعث فروکش کردن بحث ها در تاسکی ها شده جواختناق و ترس و شایعات فراوانی است که در باره بسیج و بسیج رژیم برای شناسائی تاسکیرانان متفرقی صورت میگیرد. با ید به آژانسگان تاسکی توضیح دادیم که هم چنین مردم پیدا کنند که رژیم قاچاق نیست همه تاسکی ها را کنترل کند. ضمناً هم آژانسگان مبارز تاسکی هم مردم با بدراه ها را سیاسی بنده که بدون بخطر افتادن جدی کار روزندگی، تاسکی ها نقش افتادگرا نه خود را مانند قبل آدا میدهند.

علاوه بر اینها، فشار رفائلازها و حزب اللهی ها بر مردم در مورد حجاب بسیار زیاد شده است. اکنون دیگر علاوه بر اجباری بودن حجاب برای زنان آریاب رجوع در ادارات، بیما رستانها و فروشگاههای بزرگ و... کم کم در رندار عایت حجاب را در مفازه ها هم با می کنند. فشار بخواطر حجاب بخصوص در شهرهای شمال غیر قابل توصیف شده است. با سداران و حزب اللهی ها جلوی اتومبیلها می راکه برای گذراندن تعطیلات دوسه روزی به شمال رفته اند گرفته و اگر زورسریهای خانها تاروی آبرویان نسا شدیها فحش و ناسزا گفته و گاهی آنها را به کمیته ها جلب می کنند. در چند مورد که زبان خواسته اند از مفازه ها خرید کنند و فروخته حزب اللهی بوده کار بردگیری لفظی کشیده شده است. مثلاً طبق گزارش در جاکوس یا سداران زنهای سی حجاب را به کمیته ها جلب کرده و دوزن را در میدان جاکوس شلاق میزدند. با پس ترتیب کاری کرده اند که اغلب کسانیکه در چند روز اخیر به شهرهای شمال رفته اند ار مسافرت خود سخت پشیمان و بیسزار شده اند.

مردم از دست ما مورین کمیته ها و فالانزها در کوجه و خیا نها هم امنیت ندارند. اسرورها مردم برای عدم زدن همه خیابانها تمبر و دوتریح میدهند در خانه ما سانه با رکها هم مدتی از طرف شهرداری بسته شده بود. مردم را نومبیل ها هم، چند زهران و چند زهرسرها نسا ایمنی دادند و قدم بقدم آنها را متوقف کرده و با زرسی میکشند. م اغلب با زرسی ها با توهین و فحاشی به خصوص نسبت به خانهاست و با کوچکترین غشی سر نشین را توقیف میکنند و به باز حوئی میبرند.

خلاصه رژیم که در بحران سیاسی-اقتصادی، بقیه در صفحه ۱۱

مثلاً در موارد دیده شده است در صفتی که از آن فردی را قبلاً به کمیته برده اند و وقتی زسی خواسته از آنرا حتی جنگ و گرانسی دهان به شکره یا زکند مردم داخل مفسها با نا را حتی گفته اند "خا نملطفا " حرف نزنید تا خود ما را بدر سر نسا نسا زید! " اما در عین حال مواردی هم دیده شده که وقتی فالانزها با سدارای خواسته است معترضی را به کمیته ببرد مردم یک دست جمعی به کمیته رفته و علیه خیرچین و وفائشایدت داده و آفندرا بیستاده اند تا اینکه فرد دستگیر شده را آزاد کرده اند. بدیهی است گسترش این چنین نمونه ها است که میتواند از اقدامات جنایت آمیز حزب اللهی ها و فالانزها و ما مورین کمیته ها در شکار تحک تک افراد معترض جلوگیری کرده و مانع ایجاد ترس در مردم شود. نیروهای انقلابی با ید با برنا موزی در این زمینه با اعتراض بوده ما زده و مفاومت آنها را تقویت و سازمان دهند.

از موارد دیگر اعمال فشار و اختناق به مردم کنترل تلفنهاست. از مدت پیش تلفنهارا با نحاء مختلف شدیداً "کنترل" میکنند و چون نمیتوانند همه تلفنهارا کنترل کنند لذا در مواردی تمملاً نظا هر به کنترل تلفنها کرده و حتی خودشان شایعاتی مبنی بر کنترل همه تلفنهای مپی پراکنند و با انداختن مویرا دیوروی تلفن ها (بخصوص تلفنهای عمومی) نشان میدهند که مشغول کنترل تلفن هستند. گاه اتفاق افتاد وسط مکالمات تلفنی وارد خط

شده و تذکراتی داده اند. این امر در مورد تمام تلفنهای شهرستانها و خارج ز کشور ممدق داشته و بدون شک همه آنها کنترل میشوند. طبق اطلاعات، تعدادی از مردم را بخاطر آنکه در تلفن حرفهای زده اند که بوی مخالفت با رژیم را داشته با زداشت کرده اند.

با این ترتیب رژیم نمیتواند حتی شکایات و درد دلها ی تلفنی مردم را هم تحمل کند برخلاف اصل ۲۵ قانون اساسی دست بخت خودشان که "مکالمات تلفن را مضمون از هرگونه ضبط و کنترل و استراق سمع اذیتهاست". مکالمات مردم را تحت کنترل و استراق سمع قرار داده و آنها را بخاطر آنقا دکردن از حاکمست مورد پی گیری و اعمال فشار قرار میدهند. رژیم با این کار قصدش اینست که مردم از تلفن بسرای انتقال خیر و ابرار را رضایتی استفاده نکنند. اما علیرغم تمام این فشارها و محدودیت ها مردم با شیوه ها یگوناگون و الفاظ قرار دادی و استعاره که از خصوصیات جوامعی است که اختناق و سانسور بر آن حاکم است. حرفهای خود را زده و آخسار را با یکدیگر رد و بدل می کنند. آخسار را عدا مها و دستگیرها را با نا را حتی بهما اطلاع دادند و مقابل ضرباتی که به رژیم وارد میشود با خوشحالی رد و بدل می شود.

در این رابطه ما ید مردم را تشویق کرد که تسلیم ارباب رژیم و ساسات او در سار به کنترل همه تلفنها نبوند. با ید مردم توضیح دادیم که رژیم قاچاق نیست تمام تلفنهارا کنترل کند. ضمناً ما زران با ید هم با سادگی مکالمات تلفنی آنها با عت لسو رفتن رابطه ها و دست با ید رژیم سارا شکلیانی گروهها نکردند. اما نحر در این

بقیه از صفحه ۱  
رژیم از خمینی گرفته تا ائمه جمعه ها، از دادستان گرفته تا فرمانده سبها سداران، از پیشما زهای مساجد گرفته تا تمام سبها های گروهی، همه را بکار گرفته و روز و شب تلاش میکنند که از طریق جاسوسی مردم نسبت به هم دیگر چیزی عایدش شود. اما خوشبختانه بعلمت بسی اعتباری رژیم و فروریختن توهما ت مردم، این شگرد رژیم که با تبلیغات کرکننده و بیست و چهار ساعت خمینی و دارو سته اش همراه است، بجز موارد نادر شرت کرده است. مردمی که خود را حاکمیت بندت نفرت دارند چطور میتوانند علیه هم سبها با رضی خود جاسوسی کرده و او را لو بدهند؟ و از اینرو است که علیرغم تمام این تهدیدات، خلق مبارز و انقلابی ما دست رد بسینه رژیم زده است.

ولی اگر رژیم در زمینه لو دادن هم موفقیت چندانی نداشته و اینرا خود درک کرده است، اما از این وسیله برای ید بس کردن مردم نسبت به هم و مانع از هم کاری و همبستگی با یکدیگر و جلوگیری از انتقال اخبار توسط مردم استفاده کرده است. علاوه بر این نتیجه دیگری که در این مورد گرفته مسلط کردن فالانزها و حزب اللهی های محله ها بر جان و مال و ناموس مردم بوده است. مردم یعنی ندا رنده که هر آن گروهی و باش و جاکوش و جانی تحت عنوان "مردم" بخانه ها شان ریخته و آنها را مورد تعرض و آزار و زحار قرار دهند.

در این رابطه نیروهای آگاه و سازمان های انقلابی با ید با تقویت روحیه مردم و دادن رهنمود، تبلیغات رژیم را خنثی کنند. حتی در مورد عنا صرن آگاه که هنوز در ذهنیت مذهبی (بیرونی از وظیفه شرعی) هستند بسا روشنگری در باره مبارزات انقلابی و اهداف آنها، توضیح دهند که مبارزات مبارزان بی کف، صادق ترین، آگاه ترین، صدا میریالیست ترین افراد هستند که بخاطر سپهر و زلیخ جان خود را در تطبیق اخلاقی گذاشته اند. در عین حال بر نیروهای انقلابی است که بسا گوشمالی و محارفات جاسوسان و سخن چینان، نشان دهند. کسانیکه نقش خائنین بسه خلق را بازی میکنند و باعث میشوند که جوانان مبارز ما با وجود جاسوسان اعدا م سپرده شوند بی محارفات نخواهند ماند.

از اینک بگذریم، کار اعمال فشار به مردم و گسترش اختناق به مصفهای گوشت و ارزاق کشیده است! افراد حزب اللهی و فالانزها، اعمال زرن و مردم مترصدند که اگر کسی از اوضاع عنا بسا مان زندگی نکایت کند و راه کمیته برده و "تادیش" کنند، در چند مورد ما هده شده که زانی را که توسط فالانزها لو داده شده اند علیرغم اعتراض مردم به کمیته برده اند. در این موارد کار را بجایی رسانده اند که حتی عده دیگری از هم بسور رسوا شده به کمیته برده و در آنجا مردم را بخاطر شکایت وضع بسا مان زندگی شلاق زده اند و دست آخرم از آنها تعهد گرفته اند که اگر دیگر اوضع شکایت کنند بسرمان فرستاده شوند! رژیم با اعمال جنایت، میز قصد دارد جلوی اعتراضهای مردم در مصفوف ارزاق گرفته و آنها را وادار کند حققان گرفته و ما بندرسره سربراهی ساعنها در صفت ها با بستند و مردم رسوا و رند! البته رژیم با این جنایات در مواردی هم موفق بوده

## پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



**ایرلند**

**مرگ نهمین و دهمین مبارز ایرلندی**

**بحران سیاسی ایرلند را تشدید کرده است**

طی چند هفته اخیر همراه با مرگ نهمین مبارز ایرلندی و سپس دهمین مبارز، یک دلجویی که بیش از ۶۰ روز را عصاب غذا میسر بود و سوخامت گذاردن - حال پتریک مک جون ۲۵ ساله را منتهی حرکات سیاسی و نظامی تا ایرلند جنوبی نیز رسید و در دو بلین (پایتخت ایرلند جنوبی) و چند شهر مرزی، تظاهراتی برپا شد که بدرگیری های خشونت آمیز میان پلیس و تظاهرات کنندگان انجامید.

اوچگیری موج خشونت در ایرلند شمالی و سرایت آن به جمهوری ایرلند جنوبی، این دولت را وادار ساخت که به موضعگیری در قبال این حوادث بپردازد. دولت ایرلند جنوبی که خود دولتی وابسته به امپریالیستهاست اخیراً "دست به موضعگیری جدیدی زده و آن اینکه شخص نخست وزیر انگلیس را مسئول مرگ زندانیان اعتقابی معرفی کرده است. دولت دو بلین با این کار خود که بیانگر تظاهرات موجود در میان امپریالیستهای اروپائی نیز هست، در تلاش است تا ماهیت امپریالیسم انگلیس و سیاستهای سرکوبگرانه آن را کتمان کرده و تماماً می خواهد ایرلند را تنها تاشی از بی کفایتی مارکسیت تا چرواچهم نه بعنوان عامل پیش برنده سیاستهای امپریالیسم انگلیس، بلکه بعنوان فرقی که تظاهرات شخصی خود را دنبال میکنند

قلمداد نماید. تا جاییکه در این باره نخست وزیر ایرلند جنوبی در مصاحبه ای اعلام می کند: "۱۰۰۰ اگر هر نخست وزیر دیگری انگلیس بر سر کار بود، این مسائل (مسئله ایرلند) حل شده بود."

حادثه مبارزه در ایرلند و موضعگیری های اخیر ایرلند جنوبی زمینه های تظاهراتی موجود میان امپریالیستهای اروپائی عضو جامعه اقتصادی اروپا نشان شود. کشورهای اروپائی، عضو این جامعه و در نشان فرانسه و آلمان در - عددند تا با انتقال از سیاستهای دولت تا چرواچهم از موضعگیریهای اخیر ایرلند جنوبی، رقیب دیرین را در بازار مشترک - تضعیف کنند. دولت فرانسه تصمیم گرفته است از موضع دولت ایرلند جنوبی مبنی بر مطرح کردن مسئله ایرلند در اجلاس آسی با زار مشترک پشتیبانی کند.

اما علیرغم موضعگیریهای عوام - فریبانه و توطئه گرانه دولت ایرلند، روشن است که تنها دولت محافظه کار مارکسیت تا چرواچهم، بلکه هر دولت بورژوازی دیگری که در انگلیس بر سر کار آید قدامت در به حل مسئله ایرلند نخواهد بود و این مسئله تنها با مبارزات انقلابی خلق ایرلند حل خواهد شد.

با پیشبرد سیاست نظامی مگر به شیوه های سازگارانه نیز توسل جستجو کند. لکن مهم در اینجا سیاست حمایتی است که با ارائه مرتجع عربستان سعودی است که با ارائه طرح پیشنهادی اش، آشکارا به دفاع از اسرائیل و مخالفت با جنبش فلسطین سرخاسته است.

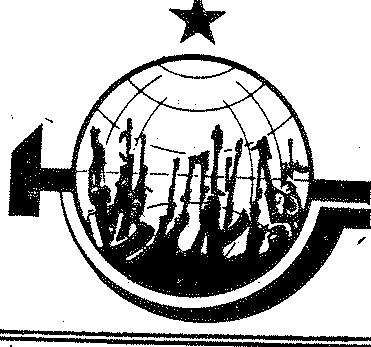
دولت مرتجع عربستان سعودی مدت ها تلاش میکرد تا هیئت واقعی خود را در پیش دفاع از خلق فلسطین بنهاند. اما خود را ضد صهیونیست و مخالف سیاستهای تاج و زکرا را سرانجام قلمداد کند. لکن با گسترش جنبش انقلابی، بناچار سیاست عربیان در مقابل خلق فلسطین قرار گرفت و برای پیشبرد سیاستهای امپریالیستی صهیونیستی شتافت تا هر چه زود تر سیاستهای پشت پرده قرار داد کمپ دیوید به شرف رزمندگان فلسطین تحویل گردد.

هدف طرح هفت ماهه ای عربستان که ظاهراً "در مخالفت با قرار داد کمپ دیوید عنوان شده است در واقع چیزی نیست جز آنکه زمینه را برای برسمیت شناختن اسرائیل از سوی فلسطینیها و اتحاد - شیوه های سازگارانه هموار کند. دولت مرتجع و وابسته به امپریالیسم عربستان سعودی سعی دارد تا حمایت از سیاست امپریالیستهای صهیونیستها را به پیش نیروهای انقلابی را تحت فشار قرار دهد و بین صفوف مبارزین فلسطینی تفرقه ایجاد کند. بیاندا زندگان را از راه انقلابی منحرف کند و چنانکه جنبه خلق برای آزادی فلسطین در بیانیه ای اعلام داشت: "این طرحها در واقع برای مذاکره در مورد حل نهضت مفاومت فلسطین صورت میگیرد."

خلاصه اینکه دولت عربستان سعودی - نیز در گفتار و طرح کمپ دیوید را رد میکند در حالیکه در عمل با برسمیت شناختن مواضع دولت صهیونیستی اسرائیل و تشکیل - دولت فلسطینی در کنار ره غربی بروداردن، همان سیاستی را پیش میبرد که بر اساس آن طرح توطئه کمپ دیویدی ریزی شده است.

**جنبش جهانی**

کارگری - رها بخش



با این ترتیب ملاحظه میشود که تلاشهای بسیاری از سوی امپریالیستها، دولتهای مرتجع عرب و جناحهای سازگارانه در درون جنبش فلسطین بعمل می آید تا مسئله فلسطین را در چارچوب منافع امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع منطقه حل کنند. اما علیرغم این تلاشهای مذبحانه خلفهای تحت ستم عرب و انقلابیون فلسطین در ایام اندک که تنها با اتکا به جنبش توده ای قادرند در برابر سرکوبها و تهدیدات و در برابر طرحهای رنگارنگ امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاع عرب ایستادگی کرده و سرانجام به پیروزی برسند.

**طرحهای رنگارنگ برای "حل مسئله فلسطین"**  
**جز توطئه هائی برای بزنجیر کشیدن فلسطینیها نیست**

سفر سادات به واشنگتن، ارائه طرح پیشنهادی سازگارانه از سوی دولت مرتجع عربستان سعودی و همزمان با این دو - آغاز مجدد مبارزات فلسطین توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل و افزایش حرکت های نظامی آمریکا در منطقه، همه و همه مبین این واقعیت است که این بار امپریالیستها، صهیونیستها و دولتهای مرتجع عرب همزمان، سیاست سرکوب و سازش را در پیش گرفته اند. در این میان دولتهای مرتجع عرب به سادات کاتالیزوری نقش بازی میکنند.

هدف این سیاست چنین است که با اعمال فشار نظامی بر خلق فلسطین و جنبش مترقی لبنان، به شکلگی، زمینه های پذیرش توطئه کمپ دیوید را از سوی فلسطینیها فراهم آورند و به دیگر سخن جنبش انقلابی فلسطین را از طریق راه حل های سازگارانه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاع عرب به سازش کشانند. راه حلی که برسمیت شناختن کمیت دولت صهیونیستی اسرائیل بر سرزمینهای اشغال را از سوی فلسطینیها در برداشته و طرح خود مختاری فلسطینیها در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را در بن خویش دارد. سیاستی که هدفش قرار دادن فلسطینیها در میان گام زانبرد دولتی صهیونیستی اسرائیل و اردن میباشد.

درواقع توطئه کمپ دیوید که بخاطر تسلط کامل بر منطقه و سرکوب فلسطینیها صورت گرفت، اینبار به صورت سازمان - یافته تری مرحله اجرا می آید. از زیگمو هرمان با تقویت نظامی و اقتصادی کشور - های سرسپرده ای مانند اسرائیل، عربستان،

با کستان و مصر، طرح استقرار نیروهای چند ملیتی و نیروهای واکنش سریع - در حمرای سینا (که ما در باره آن در شماره های قبیل توضیح دادیم) و تشکیل فرماندهی نظامی ویژه خاور میانه و وابسته به پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) در دستور قرار می گیرد و در این میان حملات وحشیانه دولت صهیونیستی اسرائیل از سر گرفته میشود.

از سوی دیگر امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب، همراه با این شوخ عموال فشار رسمی میکنند به شیوه های سازگارانه نیز، قرار داد کمپ دیوید را به خلق فلسطین تحویل نمایند. سفر یکمین به مصر به هنگام انتخابات در اسرائیل (که به منظور تقویت مواضع دولت صورت گرفت) و سفر اخیر سادات به واشنگتن دقیقاً بر اساس چنین سیاستی به گرفته است. سادات در سفرش به فلسطین از امپریالیسم آمریکا میخواست که با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کند و لی همانجا آماقه میکند که این سازمان تنها نماینده خلق فلسطین نیست. این سیاست جزای نیست که سادات و متحدینش میخواهند در سرکوب خلق فلسطین جان - تا زده ای به روند قرار داد کمپ دیوید بخشیه وجهت پیدا کردن آن بکشوند. در عین حال نیروهای محافظه کار رومنا زکرا درون جنبش فلسطین را که با حادثه - شعراضات طبقائی و تضعیف گسترش انقلاب به راه حل های سازگارانه گرایش نشان میدهند، به زدوبندهای سیاسی بگنجانند.

سیاست سازش و سرکوب و گناه عقب - نشینی، سیاستی نیست که امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب تا زده بدان توسل جستجو کنند. امپریالیستها همواره همراه

با کستان و مصر، طرح استقرار نیروهای چند ملیتی و نیروهای واکنش سریع - در حمرای سینا (که ما در باره آن در شماره های قبیل توضیح دادیم) و تشکیل فرماندهی نظامی ویژه خاور میانه و وابسته به پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) در دستور قرار می گیرد و در این میان حملات وحشیانه دولت صهیونیستی اسرائیل از سر گرفته میشود.

از سوی دیگر امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب، همراه با این شوخ عموال فشار رسمی میکنند به شیوه های سازگارانه نیز، قرار داد کمپ دیوید را به خلق فلسطین تحویل نمایند. سفر یکمین به مصر به هنگام انتخابات در اسرائیل (که به منظور تقویت مواضع دولت صورت گرفت) و سفر اخیر سادات به واشنگتن دقیقاً بر اساس چنین سیاستی به گرفته است. سادات در سفرش به فلسطین از امپریالیسم آمریکا میخواست که با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کند و لی همانجا آماقه میکند که این سازمان تنها نماینده خلق فلسطین نیست. این سیاست جزای نیست که سادات و متحدینش میخواهند در سرکوب خلق فلسطین جان - تا زده ای به روند قرار داد کمپ دیوید بخشیه وجهت پیدا کردن آن بکشوند. در عین حال نیروهای محافظه کار رومنا زکرا درون جنبش فلسطین را که با حادثه - شعراضات طبقائی و تضعیف گسترش انقلاب به راه حل های سازگارانه گرایش نشان میدهند، به زدوبندهای سیاسی بگنجانند.

سیاست سازش و سرکوب و گناه عقب - نشینی، سیاستی نیست که امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب تا زده بدان توسل جستجو کنند. امپریالیستها همواره همراه

**فلسطین**

**مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها بخش سراسر جهان**

یادداشت‌های تاریخی (۲)

# مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

با پایان گرفتن جنگ جهانی (۱۸-۱۹۴۵) در سپتامبر ۱۳۲۴ مسئله نفت وارد مرحله نویسی شد. بحران اقتصادی و سیاسی ایران را فرا گرفت. سقوط دولت‌های دربی - (سعد بیات، حکیمی، صدر، حکیمی) از اردیبهشت تا بهمن ۱۳۲۴ حدوداً نگر عجز هیات حاکم در تشکیل دولتی "مقتدر برای حل این بحران" ها بود. مسأله تخلیه ایران از اقوام متغیبن پیش آمد. سرکوب آزادی-خواهان و حمله مطبوعات از طریق جناح‌های ارتجاعی و دارودسته سیدضیاء الدین آغا کرکنت، کلوبها و چاپخانه‌های حزب و نیز کارخانه‌ها مورد حمله ارتجاع قرار گرفتند. در چنین شرایطی ارتجاع حزب توده از "تخلیه ایران توسط فوای متغیبن به مخالفت برخاست": "برای آنکه ارتش‌های انگلیس و شوروی ایران را تخلیه نمایند، باید این دولت مطمئن شود که در ایران تکیه‌کامی علیه آنان ایجاد نخواهد شد." و همزمان خواستار "تصفیه هیات حاکمه" از عناصر فاسق، هم‌چون سیدضیاء، دشتی و صدرا اشرف شد. حزب توده در دشتی سبب ارتجاع محض بود، لکن خودفا در به انکسار به نیروی توده‌ها نبود.

در چنین شرایطی افسران سرانوده‌ای، قیام - خراسان را در ۱۳۲۴ برپا کردند و در مرداد ماه این سال دست به خلع سلاح فوایدولتی زدند و طرح جنگ مسلحانه را از طریق ترکمن‌ها و نسلخ‌آنان ریختند. طرحی که به علت مخالفت رهبری حزب با شکست رو برنمود.

همین افسران بودند که جهت آموزش نظامی افراد "فرقه دموکرات" به آذربایجان گیل شدند. (تغریبان، قیام افسران خراسان، ۱۳۵۹) حکومت خودمختار آذربایجان بر اساس "آزادی ملت در تعیین سرنویس خود" و برپایه "آزادی خلی و مختاریت مدنی" و با بسیج‌نوده‌های مسلحانه‌ای در ۱۳۲۴ - اعلام موجودیت کرد. در پیروزی نهضت کمک‌های مادی شوروی و مخت موزا افتاد. ایوانف میگوید حزب توده ایران هم‌فره‌رایاری داد و کمینه‌ای لنتی حزب با چهار هزار عضو خود به حزب دموکرات آذربایجان پیوست.

(ایوانف، تاریخ سوسیالیسم ایران، ۱۹۵۸). لکن نظرات افسران توده‌ای غیر از این است. آنان معتقد بودند که حزب توده کمکی نکرد. چرا که "رهبری حزب پشت میز کمیست شده" لکن ما پیروزی را به حزب "سلاج" و "مقابله مسقیم" با نظم حاکم بدست آوردیم. فرقه ساپروالیات را به "قیام" می‌خواندند و قول "کمک" و یاری به ما می‌نهادند. می‌داد.

اکنون دول امپریالیستی ایران - سودد که برای مقابله با نهضت‌های محلی در آذربایجان و کردستان (در همان سال - فرقه دموکرات کردستان بدستال یک قیام برپا شد)، با بددولت مقصدی "ظهور دولت نوامرووی کاربایدو با دولت شوروی به مذاکره بنشیند. قوام السلطنه در بهمن ۱۳۲۴ نخست وزیر شد. کاربایدو با ارتجاع شمال را در آرای مطع فرقه شوروی به آذربایجان و نخلیه ایران از ارتس سرچر در سورکسار روزمره ردا داد. مذاکرات با سفروا مه‌مکو و در اسفند همان سال آغاز شد و در اواسط ماه این مذاکرات اعلام داد: "ساعت است اینجاب روی اساس موازیه و مودب و احرام

متفابل با سه دولت بزرگ و متفق ایران استوار میباید شد. در این موقع که بر اساس سرکلکراف پرمهر و محبت زسرا لیسما ستالین و ابراز مودت کامل از طرف اتحاد جماهیر شوروی... عا زه سکومیا شم، میدوا روم به باری خدا و تدبیر پیشینیای ملت ایران - موفق شوم".

ساعت قوام مودتاً شید شرکت نفت و رجال انگلیس هم بود. نوشتند: "مسادر انگلستان را جعبه متیبا ز نفت شمال بسنه نفع شوروی اعترافی ندادیم." دولت آمریکا هم اظهار امیدواری میگردید که بتواند "در راه مفیدی بکند" و بعنوان میانجی مسأله ایران را بطور عادلانه‌ای حل نماید، بطوریکه منافع انگلستان و روسها هر دو تا مین خود روسه و انگلستان هر دو بتوانند منافع ایران را مودتاً سفا ده‌ها ردهند. (اطلاعات ۲۳/۱۲/۲۴)، احسان طبری و علم بصیردان حزب سبز، جزاین پیشینادی - نداده بودند.

در مذاکرات شوروی و ایران، شوروی - نخست پیشنها کرد که به جای امتیاز نفت شمال، شرکت مختلطی مرکب از نمایندگان دولت برپا شود تا ۲۵٪ سهم ایران - ۴۹٪ سهم شوروی ۵۱٪ شد. لکن طرح سس شرکت مختلط با مخالفت قوام رو برنمود، به همین خاطر شوروی، سرسرا متیبا ز نفت شمال، پیشنها خود را تکرار کرد. توافق نامه ایران و شوروی در فروردین ۱۳۲۵ امضا، رسید و قرار شد از تصویب مجلس بگذرد.

بدستال این توافق نامه و آمدن بلدچیکف سفیر شوروی به ایران سو دکه تخلیه ایران در اردیبهشت ۱۳۲۵ آغاز شد. در همین زمان آذربایجان در معرض سرکوب دولت مرکزی قرار گرفت، که حزب توده سیاست پشت کردن بدار را در پیش گرفت. در موضع گیری جدید خود اعلام کرد: "البته اگر نهضت آدامسه می‌یافت، امکان داشت جنگ به "مرزهای شوروی" گشاینده شود" "منتیبا بگانه - سوسا لیسما بخظرا افتد." "بلدا" برای دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری آذربایجان تا چا رود اسلحه را بر زمین گذارد و تسلیم شود." (گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۳).

"یک عقب نشینی سودمند از یک حمل سسه زبا نختی بهترا ست". و با لخره اعلام داد که "حزب ما با قیام موانع و "خونریزی" سرسرا زکار رندارد بلکه معتقد است فقط - بلید در دنیا صلح‌هایی و پیشرفت آزادی در سرسرا علم به پیش رویم. روزنامه مردم در شماره ۲۵/۱/۲۵، "متیبا حزب" را چنین ترمیح کرد: "بما سرخسری در مبارزه - احتمای خود در راه‌هایی که کوچکتر بسن اسخرافی حاصل بکنند." "فرا دختلکا کار" را ساساتی و "معرفی" کنند، "تا اطلاع - تا سوب" ردا دن هرکوسه شریه، روزنامه، سانه و اعلام خودداری ورزند، در باره ما هست حزب ما "دستمان ما"، به حظه‌ها اند که ما با سلطنت محالفیم، "البته ما مخالف رژیم سلطنتی هستیم، جدا مودت بکند سس ساساتی، برعکس، هدف ما آزادی همان آزادی است که در قاسون اساسی سرخس سده" "وسر" تا کند می‌کنیم که حزب مسخ "بسیج خود را مالکیت محضی (سراسر) به داری

تجارت، ما لکیت زمین، مستغلات، مخالف نیست. در مورد مذهب هم ما خود را "حامی شما لیمو سلام" میدانیسم و مفتخر "خواهیم بود که از "حمایت روحانیون" برخوردار - باشیم.

بدینسان سرکوب و حشیا نه نهضت آذربایجان و قیام کردستان آغاز شد. افسران توده‌ای از آدامه کتک به حکومت خودمختار منع شدند. همزمان سرکوب آزادی‌ها و آزادیخواهان بر راه افتاد. افراد حزب نوپای "دموکرات" رهبری قوام السلطنه، دستگایهی دولتی ویلیس رادرپورش به مراکز جمع و اتحادیه‌ها به کار گرفتند. در حالیکه حزب توده هواداران خود را از هر نوع تبلیغ و اقدام بر علیه نظم حاکم منع می‌کرد، در تیر ماه ۱۳۲۵ کارگران نفت جنوب که ایوانف تعدادشان را ۱۵۰ هزار ذکر میکند (تا ریخونین، ص ۱۲۲) علیه تضیقات شرکت نفت و برای بالاسردن دستمزدها، دست به اعتصاب بکپا رچه زدند. دولت اعتصاب را "غیر قانونی" اعلام کرد و در سر اسخروستان همانا نندتهران و اصفهان، حکومت نظامی برقرار کرد. چندین هزار کارگر خرا شدند. در برابر اتحادیه‌های کارگری، دولتی اتحادیه‌ها تقوای "زود برپا کرد" - رهبران اتحادیه‌ها که در برابر تکلیف آن اعتصاب دست داشتند، از حق کار محروم - شدند. گرچه بعدا حزب قیام کارگران را به حساب خود گذاشت، لکن مواضع حزب در جهت محکوم کردن آن خیزش بود. رهبران هنوز به امیدگشایی مجلس یا نزد هم که با یکسال و اندی تا خیرودر ۱۳۶۴/۲/۱۵ افتتاح شد نشسته بودند. در طی این انتظارها، اتحادیه‌های صبروشکیبایی آشکارا از منافع شرکت نفت پیشینانی میگردند. در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶، روزنامه "مردم" می نوشت:

"دولتی میتوانند حاکمیت ایران را در خورستان مستفرسا زد که علاوه بر اصلاح - ظلمی و میهن پرستی، مودت سوس ظلمت بریتا نیبای کسیرتیا شد و بتوانند منافع قانونی شرکت را در خود ببینان. هاقوانین حفظ نماید". بدیهی است مفهوم این موضع گیری جزاین نبود که حزب توده با شروع اعتصاب و خلال در کار شرکت سرسرا زکار رندا شد.

با افتتاح مجلس، توافق نامه ایران و شوروی در دستور کار قرار گرفت. اکنون دولت قوام می توانست با فراغت یال، توافق نامه را مودت کند. در ۲۹/۲/۲۶، قوام گزارش خود را در باره نفت شمال به مجلس آورد. دولت شوروی از طریق سفیر خود، "سا دجیکف" تقاضا داشت "مواقت نامه به طور کامل اجرا شود". "مجلس با اکثریت - آراء" موافقت نامه را در قیام قوام ردا کرد. غیبت قوام علت داشت. در طی تا خبر گشایی مجلس، دولت آمریکا مذاکرات - سری خود را با دولت ایران آغاز کرد. نتیجه اشفا دیک پیمان نظامی موانع دولت بود. مطابق آن پیمان، مستشاران آمریکائی "همکاری با وزارت جنگ"، "کارهای اساسی ستاد ارتش و کلیه شعبات وزارت جنگ"، "بالا بردن استعداد جنگی ارتش ایران" را برعهده می‌گرفتند. هم چنین نسبت به تمام افسران ایران... ارشدیت داشتند، حق بازدید و بررسی تمام "اسناد و مدارک و گزارشات و مکاتبات مودت" نیز "را به دست آوردند. همان روزی که مواقتنامه ایران و شوروی در مجلس طرح بود، جورج - آلن معاون وزارت امور خارجه آمریکا در تهران با قوام در حال مذاکره بود. - دولت آمریکا قول "کمک" های بیشتری نیز بقیه در صفحه ۱۱

## نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

### مقدمات کودتای...

می داد و در ازای آن خواستار رکاهت و روابط اقتصادی با شوروی بود. همچنین آمریکا از انگلستان می خواست که به جای ۲۰٪ - معمول ۴۵٪ تولید نفت جنوب را به آن دولت واگذار کند. انگلستان نیز بیطرفی لکن قبول کرد. ما لکیت بحرین را به علت استخرای نفت بحرین توسط دولت آمریکا می توانستیم از دست بیاوریم و "تنگرایی اوایل" به آمریکا بدهیم. (گذشته چراغ راه آینده است ص ۴۵۳)

همزمان جنبش فدا ستمکاری که همگام در حال شکل گرفتن بود متتها ابتکار عمل را جناح مصدق داشت که علم مخالفت با مصادرات اوایلین بیانیته را در همان سال "حزب ایران" داد. مبنی بر تشکیل "دولتی لایق"، "برکناری مستشاران خارجی" استخرای امتناع نفتی بدست ایران نیان، تهدید امتناع زرات و تسهیل فروش نفت به شوروی. حزب توده بین پیشنهادها درام "غیر عملی" خواند و گفت: "اگر امروز میرنویست با سرمایه های داخلی نفت کشور را استخراج نمود و آنچه نتیجه لغای یا نیک شاه می و شرکت نفت جنوب است که آمریکا به نفع ایران سیاست ایران کرده". (کارنامه مصدق و حزب توده ص ۵۸)

این بود موضع گیری حزب توده در نخستین مرحله مبارزه علیه امتناع زرات - نفت. اما گویا ست که پس از آن همه سال و هنوز حزب در توجیه آن سیاست و توضیح سرکوب ها می که بدستش آمد می گوید: "اگر آن موافقت نا به تصویب میشد" تمام نظارت غارتگرانه کارتل بین المللی نفت را در خلیج فارس برهم می ریخت. به این دلیل هیات حاکمه ایران که در اوج جنبش ملی مجبور به امتناع از نفت بود، پس از شکست جنبش تصویب آن امتناع و زید "اف" جوان شیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۹، ص ۴۵. اما اینکه دشمنان و "مخالفان" ما از اقدامات مصادرات در اعطای نفت شمال انتقاد می کنند، اینان می خواهند بین فکسورا و مبارزین تلقین کنند که گویا اگر حزب توده ایران جزوا ردوگا نه جانی کارگری و کمونیستی نبود "و به ورطه دشواری می غلطید، راه درست تری می رفت". (همانجا ص ۱۰۴)

اما در باره قوام - که هوادار نخست وزیر محبوب حزب باقی ماند - در قیاس او با مصدق - کمیته مرکزی و قلم بهرادران حزب، چنین نتیجه می گیرند: در مسئله نفت "او جهنم مصادرات است با" او چنان سیاست نامبارک زنگانی ایران و شوروی. در سال های ۱۳۲۵ یعنی دوره قوام، و "شکست - نهضت" مصادرات با "او چنان سیاست ایران و آمریکا... در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ - یعنی دوره مصدق! (همانجا ص ۱۸۲) - دکتر ترادمنش نیز در دومین کنفرانس حزب توده (۱۳۲۷)، از قوام مواضع حزب در قبال او می گفت: "قوام سلطنت گه از ایجاد روابط دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی طرفداری می کرد، و اظهار می داشت که با بدسیر قیمتی باشد، تیرگی روابط سیاسی ما با اتحاد جماهیر شوروی مرتفع گردد، شواست شما اکثریت شورای ملی و از آن جمله فراکسیون حزب ما را به خود جلب کند. ولی حزب ما... در تشخیص حدود حسن نیست و زیاده روی نموده است." (سیرکونیم در ایران ص ۲۲۲)

سیاست حزب توده در رابطه با امتیاز شمال، اختلافات شدیدی در درون حزب برانگیخت. از جمله هم در آن سال (۱۳۲۶) جناح

رفر میست و دشواری خلیل ملکی (که عضو هیئت اجراییه موقت و شورای حزب بود) انشعاب کرد و توده حزب زحمتکشان باقی می ماند. وجود عنصری مانند ملکی در مرکزیت حزب، بکه همواره از سلطنت و امپریالیسم انگلیس و آمریکا در برابر جنبش مردم فدا عکود، خود نشانی میداد که تعیین کنندگان سیاست حزبی از چه قماش بودند. ملکی در دفاعیات خود (که بیان ۱۸۰ اسفند ۱۳۲۲) هنوز در باره شرکت نفت می گفت: "شرکت مجبور است که برای خودش - یک حکومت، یک دستگاه وسیع حکومتی بوجود آورد... فعلا" شرکت نمیتوان - انتظار داشته که سونو شو مسائل نفتی عظیم خود، را به دست باقیانی که احتیاج به معرفی ندارند، واگذار نماید". او دولت های سرمایه داری خاصه انگلستان دفاع می کرد و اعلام می داشت: "حتی از پارلمان انگلیس صدای عین عقاید ما بلند می شود" و در باره مقام سلطنت اعتراف می کرد: "من شاهنشاه را مظهر استقلال کشور میدانم... به مصدق هم تومیه می کردم، ما هزاران کیلومتر سرحد (با شوروی) داریم، مقام سلطنت با حفظ تمامیت و استقلال ایران است". (همانجا)

این بود خط مشی جناح دیگری که می رفت در هواداری از مصدق، جنبش فدا ستمکاری را رهبری کند. نقش حزب زحمتکشان را در جای خود بدست خواهم داد.

بدنیال انشعاب، حزب توده در تحکیم موقعیت خود، به جستجوی یاران جدیدی آمد. در فروردین ۱۳۲۷، "جبهه مطبوعاتی ضد دیکتاتور" را با همکاری سیدضی الدین و قوام السلطنه برپا نمود. جناح مصدق نه در آن شرکت جست و نه "جبهه" را آن جناح دعوتی به عمل آورد. در برابر اشتقاقات شدید همکاران با دولت نخست وزیر سابق، روزنامه "مردم" در شماره ۱۴ و دیپلمت - ۱۳۲۷ نوشت: "در این جبهه مطبوعاتی علاوه بر روزنامه های حزب توده ایران، روزنامه های متعلق به حزب مکررات ایران، - طرفدار نخست وزیر سابق (قوام) و روزنامه های آقا سیدضی الدین... شرکت دارند. ولی هیچیک از این دسته های مختلف نباید توقع داشته باشند که در جمیع مسائل سیاسی از اظهار مخالفت های اصولی یا یکدیگر چشم پوشند."

در چنین شرایطی بود که با ردیگر مذاکرات نفت از سر گرفته شد. اکنون دولت آمریکا میکوشید، با تحمیل قرارداد های نظامی و اقتصادی، نوبین های نفت خواران انگلیس را رفته رفته سست کند. در ۲۲/۹/۲۷ قرارداد استخدام ۶۶ مستشار آمریکا برای اجرای برنام هفت ساله به امضاء رسید. همزمان جورج آلن معاون وزارت امور خارجه آمریکا برای مذاکرات محرمانه "با شاه" وارد ایران شد. دولت انگلیس با "تخاذل روش فردی" آمریکا در قبال نفت به انتقاد برآمد. روزم را رئیس ستاد ارتش ایران - که بعدها در دوره نخست وزیری از حمایت کامل حزب توده برخوردار شد - در جابجایی از منافع انگلیس ها، ژنرال شوارتسکف - مستشار آمریکا می ژاندرمری ایران را - اخراج کرد. با زدر همین ایام و در حالی که آمریکا ثبات با ایجاد ترو ترو و حجت و سایر امنی مقدمات مجلس موسسان و تشکیل قانون اساسی را فراهم می آوردند، شرکت نفت انگلیس برای امتیاز زنیونی، بیسای اولیای دولت به مذاکره ماهه نشست. این قرارداد که به "الاجه الحاقی" مشهور شد، تکه ای بود برای نخستین قرارداد نفت در ۱۳۱۲ که بدست تقی زاده منعقد شد. گردید. نماینده انگلستان در این مذاکره "گاس" "GASS" عضو هیات مدیره شرکت نفت در لندن و نماینده ایران گلشائیان وزیر دارائی دولت سا عد بود. لاجه پیش بینی می کرد که برای هر شش نفت فروخته شده به جای ۴ شلینگ، ۶ شلینگ بدولت ایران -

پیداخت کرد، بهای فراورده های نفتی در ایران ۲۵٪ رزان ترا قیمت بین المللی باشد، و مطابق حقوق ایران در قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) ۵۱ میلیون پانزده اضافی نیز به ایران داده شود.

سفر شاه به لندن، مواضع آمریکا و انگلیس را به یکدیگر نزدیک کرد. انگلیس ها از مخالفت با طرح مجلس موسسان دست کشیدند و حزب توده تنها ماند. اکنون حزب در باره سیاست انگلستان هنوز کج راه و مریز رفتار می کرد، از جمله در مورد امتیاز نفتی (که در ۱۸۸۹ م به دوران ناصرالدین شاه - منتقد شده بود) و موعد آن در ۱۱ بهمن ۱۳۲۷ سر می رسید، و نیز در رابطه با تجدید قرارداد نفت، حزب توده می گفت: اگر آن امتیاز تمدید نشود، با شرکت نفت مخالفت می کند، به سود امپریالیسم آمریکا است که "یکه تا از میدان" خواهد شد.

می دانیم که از ۱۵ بهمن ۲۷ و به دنبال تیراندازی به شاه حزب توده ممنوع اعلام شد. حکومت نظامی برقرار گردید، مطبوعات برجیده شدند، با ردیگر اشتقاقی سراسر ایران را فرا گرفت. در ۱۹ بهمن دولت لاجه تجدید مطبوعات و مجازات مرتکبین جرائم مطبوعاتی را تصویب کرد. در اسفند، با استفاده از سکوت سیاسی، شاه دستور - تشکیل مجلس موسسان را داد و دستور - طریق تغییر ماده ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی، از "مقام غیر مسئول" به مقام مسئول ارتقاء - با بدو حق انحلال مجلسین را داشته باشد. و چنین شد. هم چنین هیات حاکم، با امید که کسی را برای اعتراض به هیچ تصمیمی نخواهد بود، در ۲۸/۴/۲۸ قرارداد دگس - گلشائیان را چند روز قبل از پایان - گرفتن مجلس پا زده هم برای تصویب برد. نتیجه برخلاف انتظار بود. در برابر سکوت حزب توده، جناح مصدق برخاسته به مخالفت برآمد و مواضع را تصویب طرح گشت. قراردادها قرارنا مه پس از آنجا متخا بات، به مجلس شان زده را نه شود. از این تاریخ، مرحله دوم مبارزات علیه شرکت های نفتی همراه با مشارکت روزافزون توده ها آغاز می شود. روحانیت نیز که تا این زمان نقشی نداشتند، با موضع گیریهای متفاوت به عرصه سیاست کشیده می شوند.

### ادامه دارد

## هموطنان مبارز علیه فشارها، ظلم و...

جنگ داخلی و خارجی کیچو سردرگم شده است. میخواهد همه فشارها را به مردم منتقل کند. میخواهد مردم را موعوب کرده، شور انقلابی را در آنها کشته و آنها را از صحنه خارج سازد. رژیم فدا خلقی با اعدا نزدیک به ده هزار مبارزان و انقلابیون و با زداشت هزاران نفر خواستناست به خروج مردم از صحنه شتاب دهد. اما تحت جوا انقلابی، دلآوری مبارزان و مقاومت آنان و ضرباتی که از جانب انقلابیون به رژیم زده میشود این اعدا مها و دستگیریهایشان خشم و نفرت مردم را تشدید کرده است. در این شرایط وظیفه نیروهای انقلابی است که به تقویت مقاومت توده ها کمک کرده و این مقاومت ها را سازماندهی کنند. باید با یافتن راه های دا من زدن به مقاومت توده ها - در هر زمینه ای - برای تسبیح و گسترش مقاومت توده ها برنا مه ریزی کرد. باید مواضعی را که جلوی این مقاومتها را سد کرده است از پیش پا برداشت تا این مقاومت ها رشد و گسترش یافته و به جنبشی وسیع تبدیل شوند. با زمانهای انقلابی با بدو این رابطه بطور جدی کار کرده و برای سازماندهی مقاومت توده ها برنا مه ریزی منظم و سیستماتیک داشته باشند.

# سراب رفاه اقتصادی تشدید فقر، فلاکت و بیخانمانی

# حسی چه گفت؟ حسی چه کرد؟

در شما ره‌های پیش‌روندیزی که توده‌های ملیونی خلق تحت فشار بیگاری، گران، نمودمکن، شورم‌فزا شده و عدم وجود تامین اجتماعی و... به مبارزه با رژیم ضد خلقی پهلوی برخاستند را بررسی نمودیم و دیدیم که چگونه خمینی در بسیاری موارد با وعده‌های فریبنده در مورد پیش‌کن کردن وابستگی و مقابله با امپریالیسم و... توده‌هایی را که تحت فشارها و دزدندگی بی‌خاسته بودند به امیدای من همین دنیا بدینا ل خود روانه ساخت. و چگونه پس از کسب قدرت نه تنها این وعده‌ها را چون سا پریشان نش - زیرا بی‌شهاد، بلکه بی‌پیشه کردن سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگرانه سیرگرازی، بیگاری و فقر فزاینده توده‌ها و وابستگی به امپریالیسم را تسریع نمود. اینک گوشه‌ای دیگر از وعده‌های خمینی در این مورد را بررسی می‌کنیم.

خمینی همواره سعی میکرد خود را حاکم روستا نشان و کشتا ورز را قلمداد کند و در این رابطه وعده‌ها یجادیک کشتا ورزی مدرن و سرویس‌مان بافته را میداد. خمینی مدعی بود که تنها با روی کار آمدن او، نه تنها خود کفایی با روستا ورزی ایجاد میگردد، بلکه روستا نشان به زندگی مرفه و انسانی دست خواهد داد. خمینی میگفت: «باز رفتن شاه ترمیم خرابیها ممکن خواهد بود کشتا ورزی که کلی از زمین رفته است - اطلاع میگردد. (۲۴) (۵۷) و ایران به سرعت میتواند مشکل کشتا ورزی خود را حل کند. بطوریکه هم کشتا ورزی یک زندگی انسانی و در حد دیگران برسد و هم مملکت از واردات مواد غذایی بی‌نیاز گردد» (مجله نیوز و استریتام ۱۸ آبان ۵۷) خمینی که میدادست روستا نشان از جورما لکین به سنگ آمده اند و زمینداران و سرما پیداران آخرین قطره‌های شیر جان آنان را - میبکنند، بدروغ وعده میداد که «زمینها به ما لکین بر نمی‌گردد، ما لکین ما لکین - اسلامی را در طول تاریخ داده‌اند و تمام املاک آنها به دولت بر می‌گردد» (مباحثه با روزنامه نگاران نیوز و استریتام ۱۸ آبان ۵۷) و «اگر ما به قدرت و حکومت برسیم روستا نشان را که این مالکان به نمان حق منصرف شده‌اند ضبط خواهد کرد و بر اساس حق و انصاف - میان همه‌جا را مجدداً توزیع خواهد کرد... (مباحثه با لوموندیا خراسان) اما نمره تمامی این سخنان سرکوب و کشتا ورزی نشان یعنی گشت که در جهت دستگیری زمینها یعنی که کشت می‌نمودند حرکت کردند. با طمع داران سرمایه در هر کجا که دهقانان جهت دستگیری زمین حرکت کردند در حمایت از زمینداران به سرکوب و کشتا ورزی آنان پرداختند. خمینی نه تنها به حمایت از مالکین زمینداران پرداخت نه تنها شورا ی دهقانان را در هر کجا که ایجاد شدند بود کرد، نه تنها فتوای ها را در بسیاری نقاط از جمله فارس و کردستان و ارومیه... مسلح نمود، نه تنها کشتا ورزی را عظیم را در کردستان و ترکمن صحرا در مقابل روستا نشان و دهقانان به پیش برد، بلکه حتی اصلاحات بسا زمینداران را با دستور مستقیم خود متوقف کرد. خمینی حتی اجرای بند "ج" را - نیز تحمل نکرد و در مقابل آن ایستاد. رژیم جمهوری اسلامی در مقابل کشاورزی آنچنان سیاست ضد خلقی را به پیش برد که در عرض دو سال - در عرض خود کفایی مهمولات کشتا ورزی - اکثر تولیدات کشاورزی تنزل یافته و گریخته و حتی در بسیاری موارد به سفر رسید و در عوض واردات مهمولات کشتا ورزی پدید آمد و کفایت داشته است.

سیاست‌های خمینی در مورد کشتا ورزی دنباله منطقی سیاست‌های ضد خلقی سرما پیداری وابسته که مستقیماً "منجر به ویرانی و خالی از کشته شدن روستاها میگردد است. و آنگاه نیز که روستا نشان به مقابله با این سیاست‌ها بر می‌خیزند چون کاخ خراسان تنها سا لکوله پاسخ آنان خواهد بود.

وعده‌های خمینی در مورد مسکن بیشتر است. خمینی با وجودیکه در ظاهر ادعا میکرد انقلاب از قلم توسط حوزه علمیه آغاز شده - ما خود بدستی میدادست که نطفه‌ها و بنیام خلق در مبارزات توده‌های محروم خارج از محدوده بسته شده و این ابتدا نشی ترین حرفه‌های ضد خلقی تنها جهت بدست آوردن مسکن و در مقابل سیاست ضد خلقی شاه در ایران - کردن خانه‌ها بوجود آمد. از این رودر مورد تا زمین مسکن و عده‌های بسیاری داد. و حتی پس از قیام نیز جهت فریب توده‌ها سخن فریبنده‌ای در این مورد گفت. - "هر چه زودتر مشکل مسکن با بد برای بی‌خانمانها و فقرای ایران حل گردد و برای هر خان توده مسکن مورد نیازشان تا زمین گردد" (اطلاعات ۱۲/۱۲/۵۷) و "این از خدا قل حقوق فردا ست که با بد مسکن داشته با شد و مشکل زمین با بد حل شود و همسایه‌ها بندگان محروم خدا با بد از این موهبت الهی استفاده کنند، همه محرومان با بد خانه‌ها داشته‌ها شده‌ها پس در هیچ‌کس مملکت نیاید از داشتن خانه محروم باشد" (کیهان ۱۲/۱۲/۵۸) و "ما میخواهیم مملکتمان مال خودمان باشد... گرسنه‌ها را سیر کنیم، - سره‌ها را لایس بدهیم بی‌خانه‌ها را - خانه‌ها را کنیم، طالم‌ها با این منطبق خواهند" (۵۸/۹/۷) حال بگذریم از اینکه خمینی نه تنها گرسنه‌ها را سیر نکرد، بلکه بر خیزل گرسنگان بیش از ۲ میلیون آوار گنجی را افزود و نه تنها روستا نشان را لایس نداد، بلکه حسرت لایس و کفش را بردل بیش از ۴ میلیون بیگاری و خان توده‌ها یعنی با قسی نهاد. اما در مورد مسکن نیز سیاست‌های رژیم بجز سرکوب، بجز افزایش فقر و بدبختی و بجز بر ضد توده‌ها چیزی نبوده است.

خمینی در ابتدا کوشید با شیبده‌ها بی‌زنی به نام حبس ده توده‌ها را بفریاد بختی نیز توانست در این راه از سوشیالیست‌ها توده‌ها را سرگرم کند و از سوی دیگر میلیون‌ها تومان به جیب "بالاشیها" سرازیر نماید. سیاستهای بعدی رژیم نیز بجز سرکوبان شدن - اجاره خانه‌ها و کمپانی‌ها - خانه‌ها را بی‌ای - چیز دیگری در بر نداشت و فقط توانست بسیاری از خانه‌های طاقوتی، ویلاهای - قراربان، باغی‌ها را بزمه‌داران و آوارگان‌ها را به مقابله با بزرگ‌ترین از شعله‌های خشم توده‌های محفوظ نگهدارد. در هر کجا هم که توده‌ها خود را بتکار عمل را بدست گرفتند با سرکوب و کشتا ورزی آنها پا سخ داده شد. به این طریق خمینی نه تنها به توده‌ها مسکن نداد، بلکه بخوبی مساکین میلیاردرها و سرما پیداران و ثروتمندان را تحت پوشش حفاظتی خود از رفاه خلق محفوظ نگاه داشت.

رژیم خمینی چون بسیاری موارد دیگر در مورد مسئله مسکن بخوبی توانست رسالت تداوم سیاست‌ها را به نمان بر عهده گیرد و خراب کردن خانه‌های توده‌ها به بی‌بها شده خارج از محدوده بودن و غصبی بودن و کشتار آنان را با جدیت و بی‌گیری به پیش برد. خمینی که وعده میداد در ایران با بد مسکن ما هم مسکن شود سیاست خراب کردن مساکین توده‌ها را در پیش گرفت و فجایع و سرکوبگری‌ها را چون گردن برده‌ها ک سفید و تیر بسوز و شمشیر آلود... را آفرید.

و این قصه سرد را ز یادارد. مثلاً "خمینی وعده بسیاری داد که حد اقل آب و برق و

اتوبوس را برای توده‌ها مجانی کند و این با رازا زدوش آنها برگرداد و گفت من به دولت را چه معنای کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بضاعتی که در اثر تصمیمات خانمان برانه از رژیم‌ها هشتا هی دجا ر محرومیت شده‌اند و بی‌بها برای حکومت اسلامی به امید خدا این - محرومیت‌ها بر طرف خواهد شد. سفا رن اکید نمود که عمل خواهد شد" (۱۲/۱۲/۵۷) (کیهان) و این مسئله را آنچنان بدیهی جلوه میداد که میگفت علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را میخواهیم مرفه‌تر و زندگی منوی شما را هم میخواهیم مرفه‌تر کنیم... دلخوش‌تر باشید که تنها مسکن میسازیم، آب و برق را برای طبقات مستمند مجانی میکنیم، اتوبوس را برای طبقات مستمند مجانی میکنیم، دلخوش‌تر به این مقدار نباشید. ممنویات شما را - روحیات شما را عظمت میدهم. هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را (کیهان ۱۱/۱۲/۵۷).

اما دیدیم که حتی این موردنا چیز نیز به اجرا در نیامد. دیدیم خمینی پس از سوار شدن بر آریکه قدرت با زهم‌رالی را در - پیش گرفت که در نهایت برقی جنوب شهر قطع میشود تا مایه داران بتوانند به راهی از کولبرهای خود سیرند و با زهم به "طبقه مستمند" که در مناطق حاشیه شهری مسکینی دارند برقی داده نمیشود و حتی برقی را که با هزاران شفت از تیرهای دولتی میکشند با زور - قطع میکنند. خمینی سیاستی پیشه کرد که در نهایت مستمندان را نه تنها آبا دنگرد، بلکه بیش از پیش ویران - ساخت.

اما جالب اینجاست که پس از این همه وعده و وعده خمینی زمانی که تخت سلطانی را قیامه کرد حتی حرف‌های خود را انکار نمود خمینی که با وعده‌های مادی، مشخص و ملموس با وعده لایس و غذا و مسکن و آب و برق با وعده حذف گران و تورم، با وعده ایجاد کار و زندگی راحت توده‌ها را فریبده بود پس از کسب قدرت ادعا کرد که تمامی جانفشانها، کشته‌شدنها، تمامی مبارزات فقط و فقط برای اسلام بوده‌است نه برای "خبرنگار" که منظور او از خبرنگار همان کار، مسکن، رفاه اجتماعی، تا مین ما بحتاج، ارزانی و... است. بلکه خمینی وقیحا نه میگوید "مگر این انقلاب برای این بوده‌است که یک خانه ای عمود بدهد؟ یک کسب و کار برای مردم ایجاد کند؟" (خبرنگار ۹۹ انقلاب اسلامی)، او فراموش میکند که خود با وعده هر خان توده‌ها یک مسکن مناسب و تا مین زندگی مرفه و انسانی توده‌ها را فریبده بود. او میگوید "آبا مملکت اسلام از اول ۱۵۰۰ سال قبل ایجاد شده‌است و بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده‌است و بیشتر از صد هزار معلول، آلان داریم، اینها برای چی معلول شدند، برای چی کشته شدند برای نفع من؟ است؟ برای خانه بوده‌است؟ برای آزادی بوده‌است؟" (۹۹/۸/۶۶) (انقلاب اسلامی).

بهر و خمینی پس از قیام و کسب قدرت، جهت حفظ ثروت، جهت پیشبرد - سیاست‌های ضد خلقی، جهت حمایت از سرمایه داران و زمینداران و سرکوب توده‌ها - رنگ عوض کرد. و پیش از صدبار این عمل را انجام داد. اما توده‌ها که هنوز فشار کمتر شکن گران، نبود مسکن، بیگاری، فقر، - آوارگی را بشکل روز افزون تحمل میکنند، توده‌ها که مجبورند زندگی را ادا نموده‌ها به بی‌جوری به زندگی یک انسان شبیه نیست با مبارزات خود، با خیزش مجدد خود با - تا بود کردن این رژیم به خمینی و سایر سران نشان خواهد داد که انقلاب طبقه آزادی است و پس.

# انقلاب ویتنام و مجلس مؤسسان

بقیه از صفحه ۱

برای این خط سرخ، نبرد جمعا به ما زحمت کثان و ویتنام علیه سلطه و استعمار امپریالیستی و زنه سنگینی دارد. قریب نیم قرن نبرد بی وقفه برای برپائی ویتنام میسویالیست، با افت و خیزش، با دفاع و شعورهای بیباک و گیری از تمام اشکال مبارزه اش تا قطعیت پیروزی، و مجلس مؤسسان ویتنام، تنها لحظه ای است، از این روند انقلاب، که از این روند، ترسیم روند عمومی اهمیت و نقش آن درک نخواهد شد.

انقلاب ویتنام از همان آغاز زمینی سالهای پس از جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثریتها هنگامی که خواهران مجلس مؤسسان با کنگره خلق در ۱۶ اوت سال ۱۹۴۵، چه بسیار چرخشهای جدی را در سلسله رویدادهای مبارزه ملی - طبقاتی تجربه کرده است. ردیای اشغالگران امپریالیست را در ویتنام می توان در گذشته ای دور یعنی از نیمه قرن نوزدهم میلادی، زمانی که امپریالیسم فرانسه در راستای گسترش بازاریهای سرمایه داری و بهره بری از مواد خام منطقه، با اشغال ویتنام موکا موج جولاوس که نام هندوچین فرانسه را بر آن نهاد، سراغ گرفت. هر چند که مبارزه با اشغالگران از همان بدو ورود این میهمانان ناخوانده آغاز شد، ولی تنها در پی نخستین جنگ جهانی و پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی

در پهنه جهانی بود که این مبارزه به جنبی نو ده ای تبدیل شد و توانست رسالت های خلق ویتنام را از زنجیره امپریالیستی بدست آورد.

عصردهنی برای رهایی کشور از بند چنین مناسباتی، در این زمان، در درون توده های دهقانی و نیز در میان طبقه در حال پیدایش کارگر منطقه می بست. در آوریل سال ۱۹۳۰، ۳۰۰۰۰۰ تن از کارگران صنعت نساجی در شمال ویتنام در اعتراض به حضور امپریالیستی فرانسه و اشغال میهنشان دست به تظاهرات زدند. در اوت سال ۱۹۳۰، تظاهرات دیگری با همین هدف از سوی کارگران "ترونگ تی" و با همیاری دهقانان برپا شد. با سرچشمه امپریالیستی فرانسه، بسیاری از هواداران هواشی تظاهرات کارگران و بودیجای نهادن هزاران کشته سال - ۱۹۳۰ در تارنخ میمبارزات کارگران و زحمت کشان ویتنام، در برگیرنده رویداد تاریخی دیگری نیز بود. در این سال پیشگامان طبقه کارگر، با گرد هم آوردن محافل پراکنده کمونیستی، "حزب کمونیست هندوچین" را - که بعد ها یعنی در سال ۱۹۵۱ و در دو میس کنگره "حزب کارگران ویتنام" را بر خود نهاد، برپا کردند. بی ادبیرائی "حزب کمونیست هندوچین"، رهبری مبارزات - نو ده ای بود که در آن سال ابعاد دردم - فرایندهای خود می گرفت. توده های کارگر و دهقان که از اثرات بحران جهانی سرمایه داری دهه ۱۹۳۰ برکنار و رزی ویتنام به شدت صدمه دیده بودند در سه نقطه "تان - چونگ"، "نام دان" و "هونگ سون" مبارزات خویش را گسترده تر می کردند. خرابکاری در بزرگ راهها که برای امپریالیستی - فرانسه حفظ شان حیاتی بود و نیز ترور سرخامان و فرمانداران فرانسه ای از آن

جمله بوده دامنه مبارزات اینان تا آن حد گسترش یافت که توانستند چند ماهی نیز نظام شوراها را در منطقه خویش برپا دارند. در فوریه هفتم سال، حزب، بویژا - تاجیولاست ویتنام مگوک دان دانگ، حزبی که بر بنیاد "حزب خلق" در چین تشکیل شده بود، - شورشی را در پادگان نظامی "مین بای" در مرز چین برپا کرد. این شورش تا کام - توسط امپریالیستیها سبعا نه درهم شکسته شد و بی ابروت افتادن این حزب برای تازه سال از صحنه مبارزات خلق ویتنام بود.

سال ۱۹۳۶، شاه به روی کار آمدن - "جبهه خلق" در فرانسه بود. بی ادبایسن قدرت یابی، دگرگونیهای تیز در سیاست خارجی فرانسه نسبت به مستعمرات پدید آمد. "حزب کمونیست هندوچین" با بهره گیری از این شرایط، به منظور جنبش به توش و توان تمامی نیروهای که در سنجی امپریالیسم قرار داشتند، جبهه ای را با نام "جبهه دمکراتیک برپا کردند. این جبهه به منظور ارا که بر نام عمل مبارزه - برای رهایی از بند امپریالیسم، نخستین فراخوان خود را در ماه مه ۱۹۳۶، برآورد. بائی کنگره ای با نام "هندوچین" صادر کرد. در ماه نوامبر همان سال، ۲۰۰۰۰۰ تن از - کارگران صنعت بافندگی در شمال ویتنام دست با عصا زدند. در سال ۱۹۳۷، - مبارزات کارگران ابعادی گسترده تر می یافت، صنوعی که دولت فرانسه املزم به تجدید نظر در پاره ای از قوانین کاری کرد. از این جمله بود تقلیل ساعات کار روزانه به هشت ساعت و نیز برخورداری از حقوق برپائی انجمن ها و سازمانهای صنفی.

ناشره دومین جنگ جهانی، که با حمله فاشیست های آلمانی در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد، با اشغال فرانسه توسط نازی ها و سقوط دولت "جبهه خلقی" فرانسه را بدنبال داشت. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۹ حکومت ارتجاعی بدست نشاند. دلادیه در فرانسه، بیانیه اعلام بحلال "حزب کمونیست"، احزاب کمونیست تمامی مستعمره های فرانسه و نیز با زدا شست اعضایشان را صادر کرد. بی ادبچنین فعل و انفعالاتی، اعمال سیاست های ترور و وحشت از سوی کارگزاران امپریالیسم فرانسه در ویتنام و نیز با اعمال کردن حقوقی بود که کارگران و زحمتکشان ویتنام در طول چندین سال مبارزه یکف آورده بودند. بیش از هزار نفر از اعضای "حزب کمونیست هندوچین" توقیف شده و به جوخه تیرباران سپرده شدند که در میان آنها میتوان از رفیق تزان فو، دبیر کل حزب نام برد. سازمانها و انجمنهای دمکراتیک مورد هجوم سبعا نه مزدوران فرانسه قرار گرفتند. سازش امپریالیستیهای آلمان و ژاپن، با همیاری عمال فرانسویان، "کارترو" در ویتنام، این کشور را به پهنه تاخت و تاز امپریالیستی های ژاپنی تبدیل کرد. چپ اول مواد خام طبیعی توسط امپریالیست ها، هر چه بیشتر میشد، بزم امپریالیستیها، تنها امکانات با بد در خدمت منافع جنبش، تا میکانیکی افتاد. در طول نخستین هشت ماه سال ۱۹۴۰، این هندوچین بود که ۳۷/۹۵۵ تن مواد -

خام را به کشتی به مقصد متروپول ها بار زد (در قیاس با ۱۵/۰۹۲ تن در همین زمان از سال پیش). البته تا را جمودا مطبوعی، تنها می آنچه نبود که امپریالیستیها برای بکار انداختن ماشین جنگی شان بدان نیاز داشتند. در همین زمان بیش از ۸۰۰۰۰ تن از جوانان هندوچینی برای گرداندن ابزار جنگی ویمشا به گوشت دم توب را می فرانسه شدند. "مطلب ساده بود، سرمایه خون می خواست!"

"حزب کمونیست هندوچین" با ارزیابی شرایط حاکم بر کشور، چشم انداز دورانی نویین از جنگ و انقلاب را ترسیم نمود. در این چشم انداز وظیفه عاجل، همانا گسترش جبهه های نبرد مسلحانه با امپریالیستیهای ژاپنی و فرانسه، با هدف سرنگونی - بلاواسطه دولت و کسب استقلال، شمرده شد. در راستای جنبی برنام مبارزاتی، در ماه مه ۱۹۴۱، "جبهه استقلال ویتنام" با آنچه که به اختصار "ویت مینه" نام گرفت برپا شد. با در نظر داشت چنین هدفی، "ویت مینه" به تشکیل واحدهای پارتیزانی تبلیغ مسلحانه، همت گماشت. و نیز در مسلحانه را برای برپائی مناطق آزاد شده در شمال، مرکز و جنوب ویتنام، گسترش داد. بر اساس چنین استراتژی می بود که در - "کارتو - باک - لانگ" (شمال ویتنام)، با تو (مرکز ویتنام) و جلگه های ری دز (جنوب ویتنام)، مناطق آزاد شده، برپا شدند.

نبرد مقاومت در طول این سالها هم چنان گسترش می یافت. در تابستان سال ۱۹۴۴ کمیته مرکزی "حزب کمونیست هندوچین" در صدد قرار داد یک قیام عمومی بر سر آمد. اما با زکشت خونین از چین به میهن، و ارزیابی گامها و شرایط جهانی و منطقه ای داشت، سبب به تعویق انداختن این فراخوان شد. هوشی مین برای باور بود که زمان برای فراخوان نیا می عمومی هنوز مناسب نیست و موضوع برپائی هر چه گسترده تر واحدهای تبلیغ مسلحانه و آزادی بخش، با هدفی دوگانه - سیاسی و نظامی - را پیش کشید. نخستین واحدها ز سلطه چینسین واحدهای در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴، با ۳۴ کارگر در دره "دینته کا" برپا شد و در روز بعد توانست، دوپادگان نظامی فرانسه را در مرز - ویتنام - چین از میان بردارد.

تا توانی امپریالیسم فرانسه در رویا روشی با جنبش مردم فرابنده خلق ویتنام، امپریالیسم ژاپن را بر آن داشت تا خود یک تنه و عربان و مستقیم به مقابل با جنبش بر خیزد، بورژواکیهای امپریالیسم ژاپن به کارگزاران مستعمراتی فرانسه در ویتنام و تصرف این دستگاه، هر چه زودتر پوش عواقریبانه "آسیابری آسایشها" صورت گرفت، اما در تسریع شکل گیری عصردهنی زحمتکشان ویتنام نسبت به شکست پذیری امپریالیسم فرانسه، موثر افتاد.

"جبهه استقلال ویتنام (ویت مینه)" بدنبال بورژواکیهای امپریالیسم ژاپن در تسخیر قدرت فرانسه ای در مارس ۱۹۴۵، مجمع نظامی را فراخواند و در آن بارای به اتحاد تمامی سازمانهای نظامی، ستاد ارتش ویتنام شمالی را تشکیل داد و برنامه

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱۴

# انقلاب ویتنام و مجلس...

بقیه از صفحه ۱۳

تدارک قیامی عمومی را بی ریخت، زاین جمله بود: مجازات خائنین به خلق، - سخنرانی در گرد هم آبی ها بی در "هانوی" و "هونگین"، انجام شبیخون ها بی به انبار های برنج که زیر کنترل ژاپنی بود توزیع آن میان شهیدستان شهری، حملات مسلحانه به یادگانهای نظامی ژاپنی و مادره - سلاح ریست های نظامی اشغالگران ژاپنی. این گونه حرکات خود به داده بود "ویت مینه" در میان زحمتکشان شهر و روستا، - یاری می نمود.

در اوت ۱۹۴۵ با تسلیم نیروهای امپریالیستی ژاپن در برابر مستقیقین، جنگ دوم جهانی، به پایان گرفت. شکست فاشیت های آلمانی و ژاپنی در این جنگ، برای انقلابیون ویتنام، شرایط را بیشتر آریزین در راستای سربدی قطعی برای رها بی از سلطه امپریالیسم، فراهم کرد. "حزب کمونیست هندوچین" و "جامعه استقلال ویتنام" (ویت مینه)، "فراخوان قیامی عمومی را اعلام کردند. در نتیجه دو ماه اوت سال ۱۹۴۵، قیامی بی پیروز منتهی در سراسر ویتنام آغاز شد. و این قیام خود به سنگ پایه ای برای استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام تبدیل شد.

در فاصله دو اده روز، یعنی از ۱۴ تا ۲۵ اوت سال ۱۹۴۵، قیام خود به ای، تمام می پهنه کشور و سیزده منطقه شمالی و مرکزی ویتنام را در بر می برد. شهرها یکی پس از دیگری به تصرف نیروهای انقلاب در آمدند و سیرق - ستاره طلائی جمهوری دمکراتیک ویتنام بر فراز آنها به اهتزاز درآمد. در راستای همین دو اده روز، نخستین مجمع ملی بی مجلس موسسان که ویتنامی ها تا کنون نگرفته خلق بر آن نهادند در "هانان" تشکیل شد. هم زمانی فراخوانی این مجلس با گسترش قیام خود به ای، تمام با تکرور در راستای رفقای - ویتنامی بی از فزانتقالی بی بود که در آن سیرمی برد. مجلس موسسان بی به نام ویتنام که از طریق انتخابات عمومی و بی رای - همگانی برگزیده شده بودند. این مجلس در کنار خود دیگر نه ارتش مستعمراتسی فرانسه و ژاپن، که جوخه های سرخ تبلیغ مسلحانه و واحدهای ارتش رها بی بخش را جای می داد. خود این مجلس به مکمل بوروکراسی کهن مستعمراتی، که کمیته های محلی "ویت مینه" در هر شهر و روستا بود.

ترکیب عمده مردان این مجلس چنین بود: نما بیندگان بی از سوی تمام احزاب سیاسی، از جمله حزب بورژوازی (ویتنام کموک دان) - دانگ (که هم سنگ حزب کمون دان) - چیسن بود). سازمانهای خود به ای، انجمنهای - اقلیتهای قومی و مذهبی، رفقای کمونیست ویتنامی نه تنها برای شرکت نما بیندگان - "ویتنام کموک دان" دانگ، محدودیتی قائل نشدند و موضعی بی این سبب اتخاذ نکردند، بلکه از شرکت چنین حزبی، در چنین نهادی استقبال نیز نمودند، چرا که بر بی و رآنان: نخست اینکه این کنگره خلق بی مجلس موسسان نه نهادی متعلق به آینده، - متعلق به کارگران و زحمتکشان، یعنی نیروی کار و اینها، بلکه بی زاناب - تنها بی نیروی جامعه بورژوازی بود. اما حمایت از آزادی احزاب غیر پرولتری برای فعالیت سیاسی و شرکت در نهاد بورژوازی نیز بی مری جز می نیست. این کشا کشا انقلاب و ضد انقلاب، بی این فعل و انفعالات روند انقلابی، بی کیفیت ذهنیت انقلابی خود هاست که بر رآنان را به اتحاد موضعی در نفی آزادی سنان بی بهمان حزب غیر

پرولتری برای فعالیت سیاسی و شرکت در مجلس موسسان بهمانند، عالیترین نهاد دمکراسی بورژوازی میکشاند. لنین در - جزای فراخوانی مجلس موسسان، بی از پیروزی انقلاب کمپراکتبر، رای به عدم شرکت نما بیندگان کورنیلیف و کادتها در انتخابات مجلس موسسان داد، چرا که او را این دو جریان، بیگونه ای عریان و مسلحانه در برابر انقلاب صف آری کرده بودند و مستقیماً "شماره بلاوا" سطر سرنگونی خوراها را سر میدادند. "شماره" توده های کثیف - کارگران و دهقانانی که در ماجرای شهرهای بزرگ می زیستند و همین طور شهیدستان - شهری، در تجربه مستقیم خویش، به ما هیت ضد انقلابی چنین جزایاتی در فاصله هت ماه، بین دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۰۷ بی برده بودند. موضع لنین هر چند حتی بین پاره ای از رهبران بلشویکیها به مسخره گرفته شد، اما روند تکوینی انقلاب بهترین مؤید رستی اتحاد - چنین موضعی بود.

بهر رو، مجلس موسسان ویتنام، بی چنین ترکیبی از عناصر شرکت کننده، بی حضور نما بیندگان کارگران و دهقانان - از سوی "حزب کمونیست هندوچین" و "جبهه ویت مینه"، تشکیل شد. "جبهه ویت مینه" با ارائه پلاتفرم مبارزه خود، تحت عنوان "خط مشی ویا فشاری بر تصویب ایمن پلاتفرم مدی کنگره ها سر شده بود. کنگره ضمن تأیید فراخوان "حزب کمونیست هندوچین" در زمینه برپائی قیام عمومی خود به ای، - پلاتفرم ارائه شده از سوی "ویت مینه" را تصویب کرد. موارد تصویب شده این پلاتفرم عبارت بودند از:

- ۱- کسب قدرت و استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام بر اساس استقلال کامل
- ۲- تسلیم مردم ویتنامی ارتش آزادی بخش - ملی
- ۳- ممانعت از بیملک تجار و کارگران خارجی و خائنان و تبدیل آن به مالکیت دولتی یا توزیع آن در میان شهیدستان
- ۴- الحاق تمام مالیات های تحمیلی فرانسیان و ژاپنی ها و برقراری مالیاتی عادلانه و سبک
- ۵- ترویج حقوق دمکراتیک الف) حقوق انسانی ب) حق مالکیت ج) حقوق شهروندان: حق رای همگانی، آزادیهای دمکراتیک (کیش، اندیشه، عقیده، انجمن، نهضت)، تساوی میان ملیت های مختلف و میان زنان و مردان
- ۶- توزیع مجدد اراضی عمومی بر اساسی - عادلانه، گامی از راه زمین و سرخسپهره - حکم بر سهلت قانونی بدی ها و بیجا دکاری و ممانعت
- ۷- اعلام قانون کار: هشت ساعت کار روزانه، تثبیت حداقل دستمزدها و نیز برقراری از بیمه اجتماعی
- ۸- بنیاد بی بی اقتصاد ملی، توسعه کشاورزی، بنیاد بی تک ملی
- ۹- برپائی نظام آموزش عمومی، مبارزه بی سواد بی، اجرای آموزش ابتدائی اجباری، ایجاد فرهنگ بی نویسن
- ۱۰- برقراری روابط دوستانه بی متحدان و کشورهای روبرو شد، بی این نیت که هم دردی و حمایت آنان برانگیخته شود. کنگره در بیان کار خود، در اجرای - انتخاب دولت موقت انقلابی، کمیته آزادی بخش ملی ویتنام را برای کفالت ایسن مسئولیت برگزید
- انقلاب زحمتکشان ویتنام برای برپائی ویتنامی عاری از فقر و نکبت، ویتنامی آزاد، ویتنامی بی سوسیالیست، در اوت - ۱۹۴۵ بیان نمی پذیرد. این انقلاب، هم چنانکه از اهداف و نهاد های بورژوا - دمکراتیک فراتر می رود، دوران جدیدی در تاریخ ویتنام می گشاید، هم چنان که انقلاب جهانی را به پیش می برد.

# اقتباس

## به زبانهای فرانسه و انگلیسی

دا نشجویان مبارزه و هواداران زمان در اروپا و آمریکا ضمن فعالیتها بی - گرانده و دفاع از مبارزات خلقهای قهرمان ایران و ویتنام بی سیاسی، به تبلیغ و ترویج نقطه نظرات سیاسی - ایدئولوژیک سازمان در سطح بین المللی کوشش بی - ارزنده ای بعمل آورده اند. از جمله این فعالیتها بی انتشاراتی، انتشار نشریات "کار" بی زبانهای انگلیسی و فرانسه است. در فراست به دا نشجویان هواداران سازمان از اوایل سال ۵۹ (قبل از نشاء اقدام به انتشار نشریه ای بی "کار" نمودند که به جزیک تاریخ کوتاه از سازمان که بیست جلد هر شماره چاپ می شود و از خودشان است "کار" حاوی منتخبی از مقالات منتشره در نشریه "کار" در گران سازمان می باشد. تاکنون شش شماره از این نشریه که بی زبان فرانسه است بدست ما رسیده است. (شماره ۵ مربوط به خرداد - تیر است) شماره ۵ این نشریه بی نام "به تیرسی کوتاه جنبش کارگری ایران طی دو سال گذشته" اختصاص یافته که ترجمه سلسله مقالاتی است که در زمستان سال گذشته در "کار" چاپ رسیده بود. بنظر ما این اقدام بیستکارانه بیسی است و نیروهای مترقی جهان را با جنبش کارگری ایران آشنا می سازد. هم چنین در آمریکا (با درس آرنلینگتن) از سال گذشته توسط هواداران سازمان، نشریه "کار بین المللی" KAR INTERNATIONAL

KAR INTERNATIONAL  
Monthly Selected Works of the Organization  
of Iranian People's Fedal Guerillas (OIPFG)

travail (travail)  
association des guerilleros fedals du peuple d'iran  
MOUVEMENT OUVRIER  
EN IRAN  
1910-1960

منتشر می شود که تاکنون ۵ شماره آن بدست ما رسیده است. این نشریه نیز حاوی منتخبی از ترجمه مقالات نشریه "کار" در گران سازمان می باشد. طبق گزارش رسیده، هر دو نشریه بی استقبال فوق العاده نیروهای مترقی و انقلابی در سطح اروپا و آمریکا (فرا سوی زبان و انگلیسی زبان) رو به رشد است. ما کوشش رفقای هواداران را در انتشار نشریات فوق بیستایم و موفقیت رفقای در انتشار منظم و دقیق این نشریات آرزو مندیم.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

حزب چریکهای فدائی خلق ایران

قانوان اراضی شهری توسط مجلس به تصویب رسید. به خاطر این که یکی از نخستین لواایحی که توسط شورای باصلاح انقلاب به تصویب رسید و هم اکنون نیز مورد اجراء است، قانوان ملی کردن مالکیت اراضی شهری بود. طبق مفاد این لایحه قانوانی به طور خلاصه در شهرهای کشور مالکیت بر اراضی ما زادبهره ۱۰۰ مترمربعی می گردد و ما زادبهره دولت واگذار می شود. بنا بر این طرح مصوب شورای انقلاب بود که معاملات اراضی شهری از پیش از دوسال پیش معوق مانده بود. یکی از دلایلی که شورای انقلاب برای تدوین و اجراء این طرح به میان کشید، این بود که قیمت زمین یکی از اقلام مهم قیمت مسکن را تشکیل می دهد و با حذف قیمت زمین موات و بی اراضی بخش از هزینه مسکن حذف می شود که می تواند جهت تامین مسکن مردم برداشته می شود. ذکر این دلیل در میان هیاهوی کسانسی چون آیت الله خسرو شاهی که وعده می دادند تا زمستان آینده (زمستان ۵۸) هیچکس بدون خانه نخواهد ماند، موجهی از آمدن و آرزوهای خرد بورژوازی را در دل توده های زحمتکش برانگیخته بود.

اما صرف نظرا بر این وعده ها و آرزوهای ارجمان آغاز با توجه به سیر عملکرد حکومت روشن بود که هدف اساسی از طرح این لایحه چیز دیگری است. مسئله این بود که بویژه در دهه آخر حکومت شاهنشاهی، با نتگ شدن عرصه بر سرما به های کوچک و بزرگ و تسکن ترکیب ارگانیک سرما به، شدت گرفتن ابعاد مسئله مسکن و... بخش عظیمی از سرما به های خرد که راهی در عرصه تولید سرما به - داری نمی یافتند، متوجه معاملات احتکاري مسکن و زمین شدند، مگر ذای دولت سرما به داری دوران شاهنشاهی از حل مسئله مسکن، معاملات زمین و مسکن را یکی از سودآورترین بخش های اقتصادی کرده بود و خود عاملی بود که سرما به های متوجه تولید را نیز به سمت معاملات صوری جلب می کرد. این شرایط، تعادل میان بخش های مختلف سرما به را از میان بر می داشت و حرکت عمومی سرما به را مختل می کرد. حتی زمامداران دولت شاهنشاهی نیز به انوار عوام قسام شده ها متوسل می شدند تا از این گونه معاملات بگاهند. زیرا علاوه بر همه چیزها، هزینه مسکن روز بروز باری طاقت فرما بردوش مردم می خورد و ساری کاستن از این بار و از میان بردن زمینه های گسترده تاراجی لازم بود. اقدامی صورت گیرد. به یاد داریم که از اواسط دهه ۵۰ مردم از این سخن می گفتند که با بدعلاجات اراضی، املاکات مسکن صورت گیرد و ظاهرا "بعضی بورژوازی رفیرمیست های مدیرانیزه ها و اراضی فکسر بودند.

در چنین اوضاعی حوالی بود که دولت موقت انقلاب ما موریت یافت گروه های کور سرما به داری از حرکت مانده ایران را بگشايد و لغو مالکیت اراضی شهری یکی از اقدامات این دولت بود. این اقدام همچنین، تلاشی بود در جهت تحقق روح را دیگالیم بورژوازی می دانیم که بورژوازی را دیگال دردوران کلاسیک سرما به داری اعتقاد داشت که مالکیت بر زمین و منجمله زمین برای مسکن، باسد لنگر کرده و بر این مالکیت نوعی اجتماراست که از راه کار و تولید فراهم نیامده و از اینرو موجه نیست. می توان و با بدمالکیت های غیر موجه ("تامشروع") را حذف کرد تا بر دامن کسریای مالکیت خصوصی مشروع (مالکیت های بزرگ و کوچک صنعتی و غیره - مالکیت های واقعا -

# قانوان اراضی شهری

بورژوازی (گردی نشینند. اما سوسیال - رفیرمیست ها وطنی که نه از آن سابقه خیر داشتند و نه از ضرورت های تنظیم مجدد چرخ های مختل سرما به در ایران اطلاع داشتند، گمان کردند که سلب مالکیت بر اراضی موات و بی اراضی، مقدمه ای است برای سلب مالکیت کلی و به انواع و اقسام اظهاری خشودی کردند.

مسئله دیگری که مورد توجه مسئولان دولت موقت بود، این بود که با توجه به کسبخته شدن شیرازه تولید بزرگ و کوچک سرما به داران بزرگ و ضرورت مشارکت و "جلب" بخشی از سرما به های متوسط و کوچک، لغو مالکیت اراضی شهری موجب شد که سرما به ها متوجه بخش تولید شوند و کم و کاستی های ناشی از در هم پاشیدگی اقتصادی را جبران کنند. بورژوازی - رفیرمیست خوابهای طلایی می دید: هم تولید سرما به داری بر آه می افتد و هم مشارکت و رضایت بورژوازی متوسط و کوچک تا مین می شود و هم دعای خیر مستضعفان بدرقه راه می شود.

اکنون بیش از دوسال از اجراء این طرح می گذرد و عملکرد قانوان باصلاح انقلابی لغو مالکیت زمین های شهری را بهر رو بیشتر در بر تروا قیامت می توان تشخیص داد. اکنون صرف نظرا بر زمین (تقریبا با لنسبه اندک که صرف خرید و فروش (تقریبا غیر قانوانی) اراضی شهری می شود، بطور کلی معاملات زمین متروک است. اما نه سرما به های آزاد شده از قید معاملات انگلی به سوی تولید رفته اند و نه چرتولید سرما به داری بر آه افتاده است. تضاد لنسبه مسئله مسکن برای توده های زحمتکش نیز با هیچ چشم اندازی از حل شدن روبرو نیست. چرا چنین شده؟ کدام عامل سدره تحقق این اوها مبورژوازی شده است؟

پاسخ این ستوال را باید در مفهوم و مصادیق گسترده مپا رزه طبقاتی جستجو کرد. این مپا رزه طبقاتی توده های زحمت کشان، کارگران و دهقانان بود که مانع از تشکیل شرایط مسا عدبرای اجراء رفیرم های مورد نظر بورژوازی شد. در یک کلام - "امنیت" سرما به ها پیش از پیش به خطر افتاد. هر جا تجمع و تمرکز از سرما به بود، موضوع مپا رزه غریزی توده های قرار گرفت که نه به خاطر اسلام، بلکه به خاطر نظام سرما به داری بزرگ، علیه نظم سیاسی پشیمان می یابد. می خاستند، از اینرو رفیرم "امان نامه" فرستادن های بزرگان، مولوی، سزیه و دیگران، سرما به های بزرگ با رنگشند، امنیت سرما به داران متوسط و کوچک علی العموم تا مین شد. در یک کلام کشتاکش میان انقلاب و ضد انقلاب مانع از استقرار مجدد وضعی سرما به داری می شد و بدین گونه بود که دولت موقت انقلاب با وقوف بر این مسئله، راه "ملی کردن"

معنا ی بزرگ را در پیش گرفت تا با دولتی کردن سرما به، تقدس مالکیت را از ضربات مپا رزان علیه سرما به حفظ کند. اکنون در عوض مسئله سرما به های غیر مولد و انگلی پیشین که در معاملات - زمین حرکت می کردند، حوزه نوینی برای گردش سرما به انگلی گشوده شده است: بخش تجارت و در شرایطی که امکانات فنی تولید داخلی محدود است و در عین حال مپا رزه - طبقاتی هر چند پراکنده اما نامی دهسد تا نظم مطلوب سرما به داری مستقر شود، نه تنها سرما به های انگلی پیشین، که بخشی از سرما به های مولد نیز به سمت تجارت - رفیرم اندننا از طریق وارد کردن مستقیم کالا از خارج و دست به دست کردن کالاهای وارداتی و داخلی، سود فراوان و بی درد سزیه جیب بزنند. بدین ترتیب آنچه سزیه لواایحی از رفیرم ملی کردن تجارت، ملی کردن بانکها و لغو مالکیت اراضی شهری می خواست برسد، در اثر ترکیبی از عوامل مختلف که در میان آنها مپا رزه طبقاتی تعیین کننده است، به نیمی می شود.

از آنجا که هم در لایحه شورای انقلاب و هم در مقدمه "قانوان اراضی شهری" اخیر اشاره ای به مسئله مسکن می شود و حتی وانمود می شده که این لایحه مشکل مسکن را تا حد زیادی حل خواهد کرد، خوب است به مسئله مسکن نیز اشاره ای داشته باشیم. ظرف دوسال که از اجراء این لایحه می گذرد، مسئله مسکن از پیش بی رفیرم تر شده، اگرچه قیمت زمین تعدیل شده، اما افزایش سرما به و ربهای ممالک مسکن - کارگران ساختمان، تا مین مسکن را - برای افراد زحمتکش مشکلتر کرده، بی هوگی عموم تدا بیرونی راه های حکومتی برای حل مسئله مسکن شکار توشده، جنگ و آوارگی - میسیونها تن از هموطنان مانیز بر ابعاد مسئله مسکن بیشتر افزوده است. علاوه بر این با پیدا زعمال مهاجرت از ده به شهر که حتی "رفیرم ترا زهیش افزایش یافته است و تجلی آن در تهران ۸ - ۷ میلیون - نفری می بینیم، با دشمنیم، بطور خلاصه باید گفت مسئله مسکن در ظل توجهات حکومت اسلامی، همچون انبوه مسائل دیگر، لاینحل ترا پیش شده است. می گوئیم لاینحل زیرا به قول انگلس در مقامی "مسئله مسکن" این مسئله از تبعات سرما به داری است که خا نه را ملانندما بر چیزها به صورت یک کالای لایزال برده و آن را موضوع سودجویی قرار داده و تا این نظام مپا برجاست، مسئله مسکن نیز وجود خواهد داشت.

لیکن در اینجا تذکر یک نکته ضروری است: بنا بر آنچه گفتیم (لایحه اراضی شهری)، اساسا "در جهت اجراء رفیرم های بورژوازی تنظیم و اجراء می شود. اما این امر به معنای آنست که با پیدا آن - مخالفت کرد؟ بدون شک تحقق این لایحه نه از آن رو که گویا ساله مسکن را حل می کند، بلکه از همان جهت که می گوشت (هر چند در شرایط کنونی به عین و وجهی از به اصطلاح را دیگالیم بورژوازی را متحقق سازد، گاهی به پیش است. اما در عرصه، عسری که خود بورژوازی، انقلابیهای آن و رفیرم های آن متسوخ شده و در اوضاعی که نیروها ی پیشین با نظر فیت تاریخی بس گرانتر می توانند با تحولات ژرف و بیروزی برکنند، - اجتماعها یوبتحقق انقلابهای اجتماعی، ریشه واقعی مسائل حوامع طبقاتی را از بیخ بردارند، اما به پیش "اروا قع امر تحقق پیدا نمی کند. این حقیقت را شکست عملی لایحه شورای انقلاب در جهت لنسو، مالکیت اراضی شهری و تحقق اهداف خود به خوبی اثبات می کند.

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند







## نتیجه کنفرانس اخیر اوپک

## پیروزی برای آرامکو شکست برای همه

بنا به درخواست نیجریه، کشورهای عضو اوپک (و نیز اوپلا، اما رات متحده عربی، عربستان، اکوادور، الجزایر، عراق، ایران، اندونزی، کابون، کویت، قطر، لیبی، و نیجریه) موافقت نمودند تا در تاریخ ۲۸ مرداد طی یک اجلاس ویژه در ژنو گرد هم آیند و در خصوص چگونگی کاهش ما زاد نفت در سطح بین المللی به بحث پردازند.

این ما زاد که رقمی حدود ۲ میلیون بشکه در روز است، بعلاوه تولید بیش از حد عربستان سعودی به وجود آمده و موجب گشته که بسیاری از کشورهای تولیدکننده با کمبود مشتری مواجه شوند و اجباراً با از میزان تولید بیکاهندوبی برای خریداران تخفیف های فراوان قائل گردند. اما با این همه عربستان با استخراج ۱۵/۵ میلیون بشکه در روز، با دامن زدن به اشاع بازار نفت با تمام توان در جهت اجرای سیاست کارتل های نفتی امریکائی گام برمیدارد. هدف عربستان از اشاع بازار، به تسلیم وادار نمودن دیگر اعضای اوپک در مقابل خط مشی خویش و از آن جمله تنزل و سپس تثبیت قیمت نفت در حدود ۳۴ دلار در هر بشکه و همچنین با اجراء آوردن طرح استراتژی قیمت گذاری است.

در کنفرانس اخیر اوپک بحث عمدتاً حول مسئله نخست یعنی تعیین میزان برای هر بشکه و همچنین سطح تولید برای کشورهای عضو، اکثر اعضا بر این عقیده بودند که طبق مصوبات کنفرانس باالی قیمت با به نفت باید همچنان ۳۶ دلار برای هر بشکه باقی بماند و برای جلوگیری از سقوط خود بخودی قیمت، عربستان موظف است از میزان تولید نفت خویش به میزان اضافه عرضه موجود، بکاهد. عربستان، اما رات متحده و اندونزی نیز متقلاً بلا هرگونه کاهش تولید را منوط به پذیرش تثبیت بهای نفت به روی ۳۴ دلار در هر بشکه می نمودند. هما نگونه که در پیش گفتیم، سمت و سوی حرکت عربستان خدمت بی قید و شرط به کارتل های نفتی امریکائی است. اما کودکانه خواهد بود هرگاه ادعا شود کلیه کشورهای که در مقابل عربستان به صف آرائی پرداخته اند در جرگه نیروهای متفرق قرار میگیرند.

مسلم است که معیار برای ارتجاعی و یا مترفی ارزیابی نمودن کشورهای عضو اوپک نه صرفاً "موضعگیری آنان در رابطه با موافقت و یا مخالفت آن کشورها با کاهش و یا افزایش قیمت نفت، بلکه

بیشتر و بیشتر عطف توجه به این نکته است که محتوای موافقت و یا مخالفت چیست و در خدمت به کدام اهداف صورت میگیرد. چه در غیر این صورت محتمل است که همانگونه که در سال ۵۲ میلادی شاه و همپالکی هایش در منطقه برای افزایش بهای نفت بسیاری راه شگفتی واداشت تا جایی که اوپک را کارتلی "ضدامپریالیست" نامیدند، این بار نیز برای برخاستن تا رنج بشکل مسخره اش تکرار میشود. لذا مطلب را کمی بشکافیم!

در میان کشورهای که در چهار چوب اوپک با کاهش قیمت نفت بگونه ای بسر بسته به مخالفت پرداختند، میتوان از کشورهای و نیز اوپلا، ایران، کویت، عراق، لیبی و الجزایر نام برد. حتی نیجریه نیز در آغاز از سرخترین اعضای مخالف با کاهش قیمت بود که فقط با لاجبار تنس به سازش داد! در خارج از چهار چوب اوپک نیز برخی از نیروها در مخالفت با کاهش بهای نفت لب به اعتراض گشودند که قابل توجه ترین آن از جانب دو کمپانی معروف انگلیسی بریتیش پترولیوم و ایل (b.p) وشل ابراز گردید.

چنانکه پیداست نیروهای مخالف با خط مشی عربستان را طبیعی ناهمگن تشکیل میدهند که سوی آن برخی از کمپانی های نفتی و در سوی دیگر کشورهای همچون الجزایر و لیبی قرار دارند. آنچه که در سطح مشهود بوده و هست وجه مشترک کلیه نیروهای این طیف را تشکیل میدهد تلاش همه جانبه برای جلوگیری از کاهش بهای نفت بوده و میباید، اما آنچه که در

پس این شکل رخ می نماید، اهداف و نیات مختلف جهت و گاه به غایت ارتجاعی و همردیف با اهداف عربستان است.

بعنوان مثال دو کمپانی نفتی b.p و شل که هر دو از سهامداران عمده نفت دریای شمال (در انگلستان) نیز میباشند بعلاوه اشاع با زار نفت توسط عربستان و در نتیجه کاهش قیمت ها، دچار زیانان فراوان شده و اجباراً "بهای نفت خام شیرین و کم سولفور دریای شمال را که همردیف با نفت شمال آفریقا است تنها طی دو ماه گذشته به میزان ۳ دلار در هر بشکه تنزل داده اند و در خرداد ۵۳ قیمت ۳۵/۵ دلار به بازار عرضه نمودند. برای دو کمپانی فوق الذکر این تنها یک جنبه قضیه است چرا که این دو علاوه بر شرکت مستقیم در استخراج، تصفیه و فروش نفت دریای شمال، در سطح بین المللی نیز خرید های نفتی عظیمی نیز می نمودند که اکنون به دلیل اشاع بازار برتری رقیبای خویش، اجباراً از میزان آن کاسته و از سود های بسیاری چشم پوشیده اند. از همین رو بسیاری طبیعی بودند که هم انگلستان و هم کمپانی های بین المللی نفتی همچون ایندو که از اشاع بازار نیزین فراوان می بینند، با تولید بیش از حد عربستان، کاهش قیمت و اشاع با زار به مخالفت برخیزند و اعمال عربستان را نکوهش کنند.

بقیه در صفحه ۱۸

## ارزیابی وضعیت کنونی

بقیه از صفحه ۴

امروز کمتر کسی را می توان یافت که در این امر تردید داشته باشد که رژیم جمهوری اسلامی در سراسر سرنوشتی سیر میکند. تسخیر تمام اهرم های قدرت سیاسی و سلطه بلامنازع حزب جمهوری سلاقی بر تمام نهادها و ارگانها دلیل قدرت گرفتن و تثبیت رژیم موجود نیست. حزب جمهوری اسلامی با تسخیر هر موضع جدیدی که مابوسی سرنوشتی پیش رفتهاست. حزب جمهوری اسلامی میبایستی تمام مواضع قدرت را تسخیر کند، تا کمال ناتوانی خود را بنمایش بگذارد و زمینه سقوط قطعی خویش را فراهم سازد.

وضعیت حزب جمهوری اسلامی در لحظه کنونی همانند یک فرمانده ارتشی است که بدون توانائی لازم مواضع وسیعی را تسخیر کرده است. اما نه تنها قادر نیست آنچه را که تسخیر نموده حفظ کند و مستحکم سازد، بلکه با این اقدام زمینه نابودی خویش را با دست خود فراهم نموده است و اکنون در حالیکه در منتهای ضعف و ناتوانی را از هر سو در محاصره انبوهی از دشمنان یافته است، از این رو برای نجات خود با آب و آتش میزند، بهر جا وقت و جنا بیستی متوکل می شود تا این طلقه محاصره را درهم بشکند، اما با این تلاشها مدام نیروهای بیشتری را از دست میدهد، مدام تضعیف میشود و پیروسته تا بودی خود را تسریع میکند. اکنون دیگر سخن بر سر ماندن یا تثبیت این رژیم نیست. سخن بر سر این است که چکسی جایگزین آن خواهد شد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# نتیجه کنفرانس اخیر اوپک

بقیه از صفحه ۱۷

و با مثلاً کشورهای همچون ونزوئلا و کویت که در خدمت می‌بودن رژیمهایشان کوچکترین شکی نیست، نیز با طرح دلایل همچون عدم نیاز به ارزش خارجی، نزدیک به بی‌ارزهای نفتی گسسته و بی‌فلسوفی مشتری و خلاصه عدم نیاز به کاهش قیمت با عربستان به مخالفت پرداختند.

اما در این کنفرانس علاوه بر وجود کساکش‌های مرسوم بین کشورهای حامی کارتلتها، دسته‌بندی‌های امپریالیستی و با کشورهای مترقی، دسته‌ای خاص رخ نمود که مشکل عمده‌اش کمبود ارزشی معتبر خارجی بود. گرچه هر یک این مطالب را به شیوه خاص خویش بیان میکرد، لیک وجه مشترک یکی بود. سه کشور نیجریه، ایران و عراق اعضای اصلی این دسته خاص را تشکیل میدادند.

نیجریه طی سالهای گذشته پیوسته از جمله کشورهای بی‌ارزش بود که با کاهش قیمت نفت مخالفت می‌ورزید. اما پس از آنکه بعثت اشباع بازاری و کمبود مشتری مجبور به کاهش تنیمی از تولید خود شد و همچنین نفت مرغوب خویش را که در اوائل سال پیش بقیمت ۴۳ دلار بفروخت، در سال جاری در بازار آزاد (اسپات) اجاراً به قیمت ۳۴ دلار عرضه کرد، با کمبود ذخیره ارزی و نهایتاً "برهم خوردن تعادل مبادلات بازرگانی خویش روبه‌گشت و از همین رونق‌های اجلاس فوق‌العاده نمود تا شاید عربستان را متقاعد کند که کاهش تولید نماید. لیک هنگامیکه موضوع عربستان را بسیار سرسختانه بافت خود را مجبور دید جهت خروج از بن بست، گرچه با آکراه تن به سازش دهد و بطور رسمی کاهش قیمت را بپذیرد، چرا که در این صورت عربستان متعهد میگشت میزان تولید خویش را کاهش دهد و لذا مشتریانی بیشتری برای نفت نیجریه باقی میماند. بطبعاً "نیجریه نیز با افزایش تولید خویش به میزان سال پیش، ارزش مورد نیاز را جذب می‌نمود.

و این امکان افزایش تولید همان موهبتی بود که کشورهای ایران و عراق بدلیل وجود جنگ از آن بی‌بهره‌اند، لذا طبیعی بود که این دو کشور به نسبت میزان نیاز خویش به ارزشهای خارجی با کاهش بهای نفت به مبارزه برخیزند. چنانکه دیدیم، طی کنفرانس ژنو، ایران به دلیل مواجهه با کمبود شدید ذخیره ارزی، بیش از همه به مخالفت با کاهش قیمت نفت برخاست و حتی حاضر بپذیرش قیمت ۳۵ دلار برای هر بشکه که از جانب کشورهای لیبی و الجزایر نیز مورد تأیید قرار گرفته بود، نگشت. البته رژیم سعی داشت این مخالفت بی‌چون

و چرای خویش را به حساب سخت‌کوشی خویش در مبارزه ضد امپریالیستی قلمداد کند. لیک همانگونه که گفتیم شدت این مخالفت نسبت مستقیم با حدت کمبود ارزشهای خارجی دارد. و برای آنکه به بدانیم حدود نیاز جمهوری اسلامی به ارزشهای خارجی به چه میزان است، کافی است بدانیم در حالیکه ذخیره ارزی نزدیک به صفر است، طبق آمار کمیسرک ایران فقط طی قرار ماه گذشته مبلغی حدود ۱/۷۰۰ میلیون دلار یعنی مبلغی حدود ۱۳/۵ میلیارد تومان پرداختهای ارزی کشور بوده است که این مبلغ طی ماههای بعد از قیام بی سابقه آیت و میدانیم که تقریباً تنها طریقیتی که رژیم توسط آن قادر به جلب ارزشهای خارجی است، فروش نفت است که طبق منابع خارجی (علت ذکر منبع خارجی از این نوشتار که جزایر ایران همه از میزان صادرات آگاهند، چرا که رژیم آنرا جزء اسرار نظامی میدانند) در خرداد ماه حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است که با توجه به توان فنی رژیم، موقعیست جنگی وضع بازار رقیمی منطقی می‌نماید. بنا بر این رژیم فقط طی ماه خرداد کمترین موازنه‌ای برابر با ۶/۷ میلیارد تومان داشته است.

$$= \frac{13.500.000.000 \times 20 \times 25 \times 8 \times 100}{100.000.000.000} = 6.780.000.000$$

بی جهت نبود که در اولین دیدار هیئت دولت با خمینی، با هنریکی از سه مشکل اساسی رژیم را کمبود ذخیره ارزی عنوان نمود و متعاقب آن باز دید پرمعنائی رجائی از جوهرات بانک مرکزی به وقوع پیوست.

اما نکته قابل تذکر اینک طبعاً "صرف نیاز به درآمدهای ارزی و نتیجتاً" مخالفت با کاهش بهای نفت، هرگز دلیلی بر ارتجاعی بودن عملکرد رژیم در درون اوپک نیست. لیک هرگاه این برخورد با توجه به کمبود حرکت رژیم در چهارچوب کلی مسئله نفت و اوپک انجام گیرد، بیان و محتوای خاص خویش را می‌یابد که همانا ارتجاعی بودن آنست. چرا که رژیم از سدوری کار آمدن سعی در استخراج و فروش هر چه بیشتر نفت و بوجود آوردن -

یک پشتوانه ارزی قوی برای خریدهای چند میلیار دلاری اش از امپریالیستها نموده و از افتتاحات خود میداند که برای مدتی قادر به صدور ۳/۵ میلیون بشکه در روز شده است. که البته به جهات مختلف و از جمله شدت مبارزه طبقاتی، ضعف فنی، و مدیریت، عدم برنامه، تحریم اقتصادی و نهایتاً "جنگ قدره ادا" و با افزایش

میزان تولید نبوده است. و آنگونه که آیت الهی معاون وزیر نفت میگوید: "ما حتی میتوانیم به مرز ۵ میلیون بشکه در روز برسیم و مشکل عمده ما فقط بازار جهانی و (مسائل) امنیتی است" (مصاحبه مطبوعاتی بتاریخ ۶۰/۳/۶)

و درست از همین زاویه یعنی بدلیل عدم توانایی در تولید بیشتر رژیم با کاهش بهای نفت که میتوانست به میزان شدت جذب ذخایر ارزی وی صدمه‌ای وارد سازد، مخالفت ورزید. و غالب اینجاست که وقتی کنفرانس مذکور با شکست مواجه شد و به سبب اشباع بازار قیمتتها خود بخود روبه کاهش خواهند نهاد، و چشم -

انداز کاهش ذخایر ارزی ایران همچون روز روشن است، غرضی وزیر نفت به امپریالیستها قول میدهند که با این وجود ایران به خریدهای کلان خود از آنان ادا خواهد کرد چرا که بقول او: "ما اگر فروشنده خوبی بمانیم نفت نیاشیم موقعیت خوبی داریم که بتوانیم موجب رونق بازاری تولید کشورهای صنعتی شویم. صنایع متوسط و سبک غرب علامتند تولیدات خود را بدون واسطه قرار دادن دلار بفروشند" (جمهوری اسلامی ۶۰/۵/۲۹)

خلاصه اینکه سوای مخالفت نسبی لیبی و الجزایر با کاهش نفت، بقیه از مواضع ارتجاعی و برای دستیابی به اهداف ضد خلقی و در جهت خدمت به امپریالیستها با این کاهش قیمت به مخالفت پرداختند و مخالفت لیبی و الجزایر نیز که با توجه به موقعیت بازاری - های نفتی، افزایش نرخ برابری دلار میزان قدرت نیروهای درون اوپک و غیره انجام گرفت، بطور نسبی بوده است. و چنانکه دیدیم این دو کشور نیز با ۱ دلار در هر بشکه و پذیرش ۳۵ دلار بعنوان قیمت پایه موافقت نمودند و تنها ایران و عربستان این پیشنهاد را مردود شمردند، بطوریکه کنفرانس با شکست مواجه گردید شکستی که در عین حال یک پیروزی بزرگ برای کمپانی‌های چهارگانه سو، موبیل، استاندارد اوپیل اوف کالیفرنسیا و تکزا کو بود که در کار رتلی بنام آرا مکس کرده‌اند. چنانکه این کار رتلی عملیات استخراج، تصفیه و فروش بیش از ۹۰ درصد از نفت عربستان را در دست دارد. و ادا می‌تولید سرآمد و عربستان برای آنان بمعنی آن است که سودهای افسانه‌ای بیشتری کسب کنند، از قبای خویش هر چه بیشتر پیشی گیرند، از دلارهای نفتی آمریکا در اروپا بکاهند، از تولید مستقل کشورهای چون لیبی و الجزایر بکاهند و نتیجتاً "۳ تا ۴ بار با مشکلات مالی روبرو سازند و....."

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا  
وپایگاه داخلیش

## پتک است خون من، درد دست کارگر داس است خون من درد دست بزرگر

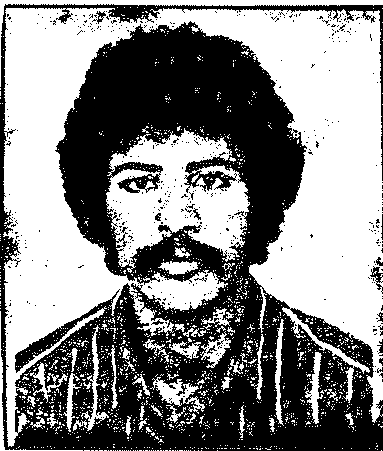
محمد عظیمی، حسین پورقنبری و کامیار اسماعیل زاده، رفیق عبدالکریم میارزات خود را از سالهای قبل از قیام آغاز کرده بود و پس از قیام بهمن ۵۷ ضمن کار در اسکله بندرعباس، با تمام توان خود در راه برقراری شورهای کارگری تلاش و مبارزه میکرد. رفیق کریم با خون خود تداوم بخش مبارزه برای برپائی شوراهای انقلابی کارگری شد.

« پیشگام شهید، فدائی خلیق عباسعلی شریفیان متولد ۱۳۲۳ در بیست و چهارم مرداد همراه چند انقلابی دیگر، بدست دژخیمان اعدام شد.



رفیق عباسعلی شریفیان چهل و هشت ساعت پس از دستگیری به حالت اغما و بیپوشی در شکنجه شکنجه به بیمارستان منتقل شد. اما جلادان حتی اجازه ندادند او معالجه شود. این دانش آموز پیشگام پرشور و انقلابی، همراه با یاران فدائی و مجاهد خود، شهدا: عبدالمحمد نظری، کریمت برخوردار، سنجری، علیرضا قاسمیان، محمدخوایی، و مهدی ترابی در سحرگاه شنبه بیست و چهارم مرداد در سحرگاه سحرگاه شهدای خلق پیوستند.

### بندرعباس



نیمه شب ششم مرداد ما، صدای گلوله های جلادان جمهوری اسلامی در فضای زندان شدک شغوبی جیدوش رزمنده، خلق به خاک و خون غلطندند. فدائی خلق کارگری پرشور، رفیق عبدالکریم عبدالله پورورفقائی گروه چریک های فدائی خلق، محمد تقی ترابی، محمدیردانی،

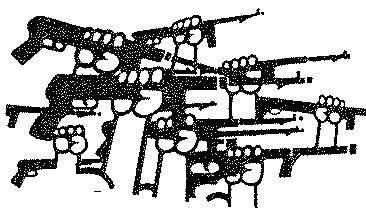
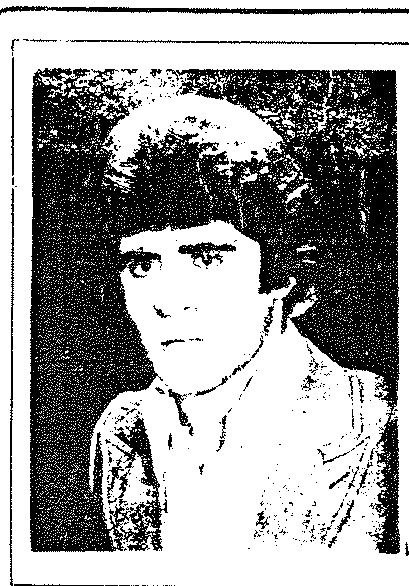
در یکی دو هفته اخیر همراه با ادا مه پورش وحشیا نه و ددمنشا نه رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی و مبارزان میهنمان، در ادا مه اعدام های دستجمعی وبدون محاکمه رژیم در بیدار دگا ههای چند دقیقه ای و مضحک و نمانی، چند رفیق فدائی نیز در مقابل جوخه های اعدام قرار گرفتند.

### قبریز

رفیق مهدی یوسفی حسن کهل در سال ۱۳۴۰ در محله فقیرنشین "مارالان" شیریز بدنیا آمد. او در سنین مدرسه، تا بیست و نه سالگی با کار اجتماعی می پرداخت تا جرج - تحصیل خود را فرا هم کند. رفیق مهدی در سالهای ۵۷ - ۵۶ با اعتلای جنبش انقلابی خلق به صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم وابسته و منفور پهلوی پیوست. او در همان دوران با سازمان آشنا شد و از آن پس با تمام نیرو و توان خود در پیش برد اهداف و آرمان های انقلابی سازمان کوشید. این رفیق پرشور، هنگام بخش اعلامیه در تبریز دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های وحشیا نه دژخیمان جمهوری اسلامی و در حالیکه لب از لب نگشوده و اسرار خلق و سازمان خود را حفظ کرده بود، روز هفتم مرداد ما اعدام شد.

### ارومیه

پس از تهاجم گسترده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نوده ها، رفیق های هوادار سازمان در ارومیه بخاطر اعتراض به سرکوب و اختناق دست به یک راهپیمائی در تاریخ ششم تیر ماه می زنند که منجر به درگیری و شهادت رفیق محمدرضا قصاب آزاد (امیر) شد. در همان درگیری رفیق ابوب ملکی نیز دستگیر شد و در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی، تات شکنجه قرار گرفت اما این انقلابی صادق مرگ را بر خیانیت به خلق ترجیح داد. رفیق شهید ابوب ملکی در سال ۱۳۲۹ در روستای کهریز متولد شد، او که در محیطی سرشار از زنج و محرومیت و فقر بزرگ شده بود، مشکلات و مصائب روستائیان را از نزدیک می شناخت و با تمام توان خود برای رهایی زحمتکشان به صفوف انقلابیون پیوست و از تاراجان خود نیز دریغ نکرد.



ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

### بندر خمینی

رژیم جمهوری اسلامی جهت استثمار هر چه بیشتر کارگران، بهمان شیوه های آریامهری متوسل شده است. اخیراً "مقامات مکتبی بندر جهت کنترل شدید کارگران و هر چه بیشتر کار کشیدن آنان از کارگران خواسته اند (از تاریخ ۱۷/۵/۶۰) از کارت ناعت زن استفاده نمایند بدین ترتیب که هر کارگری هنگام ورود (تایم کارت) بر سر داشته به مسئول قسمت خود بدهد و در آخر وقت کارت امضا شده را به محل خود بیاورد و بگذراند. در طول روز وقت او مدکارگران باید در کارت توسط مسئول ثبت شود. کارگران از آنجا نیکه با این شیوه های آریامهری کاملاً آشنا بودند و متحد و یکپارچه، از گرفتن کارتهای مزبور خودداری کردند. مقامات، همان روز جلسه ای تشکیل داده و پس از بررسی وضعیت، بخشنامه ای صادر کردند که طبق آن ۴۸ ساعت به کارگران مهلت داده شده بود که تن به این شیوه استثمار کارگران ندهند و گرنه از کار اخراج می شوند و این تنها گوشه ای از حرکات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی است.

### شادگان

خواستگاری رژیم تا بدناحرا شده است که تیم های فوشال را نیز کنترل می کنند و فقط فالانها و مذهبیون طرفدار آنها حق شرکت در این تیمها را دارند. در نامه ای که سیاه با ساران به تریبیت بدنی نوشته است گفته شده از آنجا که تیم "شماز" یک تیم کمونیستی است، باید منحل شود. سیاه در این نامه از تریبیت بدنی خواسته است تا این موضوع را به تیم مذکور با بلاغ نماید و صفاً خواستار ازاله تمام پرونده ها به سیاه شده است. سایر تیمها به این موضوع اعتراض کرده و اعلام نموده اند که در صورت انحلال تیم فوق، سایر تیمها نیز از ازاری خودداری خواهند کرد. این اعمال نشانگر ما هیت رژیم است که تنها با زور سرنیزه می خواهد خود را بر جا ممانعیت نماید. سیاه دداریم که رژیم شاه نیز حتی حق ورزش را از مخالفان خود سلب کرده بود و اینک رژیم جمهوری اسلامی همان شیوه را دوباره تجربه می کند اما این اعمال تنها مرگ رژیم را نزدیکتر خواهد ساخت.

### خلق قهرمان لیبی در برابر تجاوزات امپریالیزم آمریکا قاطعانه خواهد ایستاد

روز چهارشنبه گذشته جنگنده های اف ۱۴ آمریکا ضمن تجاوز به حریم فضایی و دریایی لیبی واقع در مدیترانه سه دو هواپیمای آن کشور را سرنگون کردند. این عمل امپریالیزم آمریکا گوشه ای از سیاستهای تجاوزکارانه این کشور و سایر هم پیمانانش در جهت سرکوب و انقلاب در کشورهای مترقی و انقلابی و جنبشهای زحاشی بخش می باشد چرا که لیبی از جمله کشورهای مترقی است که در جهت کمک های مادی و تبلیغاتی به جنبشهای زحاشی بخش از جمله جنبش

خلق فلسطین نقش بسزائی دارد. همزمان با این مانور هوایی آمریکا که بخشی از مانور پیمان نا تو محسوب میشود مصر نیز دست به مانور هوایی در مرزهای لیبی زد و این امر بسیار نگر توطئه مشترک امپریالیزم آمریکا و کشورهای دست نشانده اش بر علیه بسک کشور مترقی است. بدنیال شهاب نظامی امپریالیزم آمریکا به حریم فضایی لیبی و سرنگونی هواپیماهای لیبیایی مردم لیبی روز جمعه گذشته تظاهراتی در شهرهای عمده لیبی از جمله طرابلس و سنجازی بر پا کردند و ضمن طرح شعارهای بر علیه امپریالیزم تجاوزکار آمریکا و سایر هم پیمانانش، آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه تجاوز اعلام داشتند.

### پاریس گرفتن خانه های آوارگان جنگ

یک روز قبل از مراسم روز قدس با ساداران سرمایه وسیع منطقه آاره - نشین شهر نجف آباد خیابان منتظری، از آوارگان خواستند که روز بعد در مراسم قدس شرکت کنند، آنان اعلام داشتند که اتوبوسهایی برای بردن آنان اختصاص داده اند. روز بعد اتوبوسها آمدند اما عده بسیار کمی حاضر به شرکت در مراسم شدند. بعد از مراسم، سیاه با ساداران وسیع از مردمی که در مراسم شرکت نکرده بودند خواست که در عرض ۲۴ ساعت خانه ها را تخلیه کنند. اما مردم زحمتکش زیر بار نرفتند و در پاسخ آنان گفتند: "خانه برای ما پیدا کنید تا از اینجا برویم". با این ترتیب و با این شیوه ها رژیم سعی دارد توده های زحمتکش را که بخاطر مسائل سیاسی از اینجا آواره و بی خانمان شده اند با زور سرنیزه بدنیال خود بکشد اما تاریخ نشان داده که هیچ رژیمی از طریق زور و اعمال فشار نمی تواند ابدار بماند و محکوم به نابودی است.

سازمان به مبارزه خود ادامه داد. در جریان جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق رفیق داریوش توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در آبادان دستگیر شد و پس از آزادی، او را خواستند که آبادان را ترک کند، و جزو جنگ زدگان نبوده که شیراز بکن گردید و با لاف در تار ریش شنبه شب ۶۰/۵/۲ توسط باندهای سیاه وابسته به حزب جمهوری اسلامی ترور شد. او از مدتها قبل بخاطر مبارزات پیگیرش توسط این باندها شناسایی شده بود.

### ترور ناجوانمردانه رفیق فدائی داریوش شغائیان

با ردیکر دست جلادان خلق به غیور رفیقی از فدائیان خلق آغشته گشت و او را در تاریکی شب ترور کردند. رفیق داریوش در یک خانواده کارگری در شهر آبادان متولد شد. منقبات زندگی را از او آن کودکی بخوبی لمس میکرد. آشنائی با زندگی کارگران و خواسته های آنان از وی رفیقی پر شور ساخت و در مبارزات خلق در سالهای ۵۶ و ۵۷ بعنوان عنصری فعال شرکت جست و رهبری کننده تظاهرات فاجعه سنما رکس آبادان بود و از آنجا که برای مبارزه مرزی نمی شناخت و آرمانش زحاشی تمام کارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر جهان بود. برای مدتی به صفوف رزمندگان فلسطین پیوست. پس از اشغال رومیزیونستهای کمیته مرکزی از سازمان رفیق قاطعانه در مقابل سیاستهای خائسانه و جاکرمشانه آنان ایستاد و در صفوف رزمندگان

هموطنان مبارز! به منظور آگاهی از مبارزات خلق قهرمان کرد و اطلاع از اخبار رویدادهای کردستان به راه دبی حزب دیموکرات کردستان، روی موج کوتاه، ردیف ۴۱ متمرکز کنید. بنامه های این رادیو همه روزه از ساعت ۶ تا ۶ بعد از ظهر به زبان کردی، ۶ تا ۶ بعد از ظهر به فارسی، ۶ تا ۶ بعد از ظهر به زبان آذری پخش میشود. لازم به تذکر است که این توضیح بهیچوجه بهیمنای تأیید همه مواضع این رادیو از جانب ما نمی باشد.

### هموطنان مبارز!

رفقا، هواداران! همانطور که در کار شما ره ۱۱۸ اعلام شد برای تسهیل در امر توزیع نشریه کار سازمان، توزیع آنرا مجازاً اعلام کردیم اما از آنجا که آسوی رفقا و هواداران در این مورد مسئول شده است، لازم دیدیم مجدداً با اطلاع رفقا و هواداران برسانیم که نشریه کار همچنان مجازاً توزیع شود.

پرونتار و آزادیهای دیموکراتیک

### رفقا، هواداران!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد